

Research Paper

Designing a Conceptual System of Justice Progress; Theoretical Formulation of “Progress” and “Justice” in Intellectual Thought of the Leader of the Islamic Republic of Iran



Sayyed Alireza Sajjadih ^{1*}, Mohammad Sadiq Torabzadeh Jahromi ², Hosein Sarabadani Tafreshi ³

1. Assistant Professor, Department of Public Administration and Policy Making, Faculty of Public Administration and Organizational Science, College of Management, University of Tehran, Tehran, Iran. (*Corresponding Author).

email: ar.sajadih@ut.ac.ir

2. PhD in Public Policy & Administration and Researcher of Rushd Institute of Imam Sadiq (a.s) University, Tehran, Iran.

email: Torabzadeh@isu.ac.ir

3. PhD in Public Policy & Administration and Researcher of Rushd Institute of Imam Sadiq (a.s) University, Tehran, Iran.

email: Sarabadani@isu.ac.ir

DOI: 10.22034/jipas.2025.518694.1797

Received: 23/04/2025

Accepted: 31/08/2025

Abstract

Purpose: This study aims to provide a conceptual clarification and to determine the precise relationship between the two key concepts of “progress” and “justice”, which have been articulated as the central slogan of the fourth decade of the Islamic Revolution of Iran. Given that development and continuous advancement constitute some of the most fundamental concerns and aspirations of social reformers as well as various governments, and that numerous macro- and micro-level policy prescriptions are formulated on the basis of these overarching concepts, it appears essential to present a coherent framework elucidating the relationship between progress and justice. The “conceptual system of just progress”, developed through a re-examination of the ideas of Ayatollah Khamenei (as the originator of the phrase “progress and justice”), seeks not only to offer an interpretation aligned with his intellectual perspective but also to facilitate the convergence of diverse viewpoints and to address existing theoretical and practical challenges in this field.

Methodology: This study was conducted using an exploratory qualitative approach. The primary research method is thematic analysis based on the six-stage framework proposed by Braun and Clarke. Texts and speeches by Ayatollah Khamenei concerning progress and justice were examined through an in-depth and systematic analysis, and the relevant concepts were extracted and organized into basic, organizing, and global themes. These themes were subsequently integrated and presented within a coherent and structured semantic network.

Findings: Based on the analysis conducted, the relationship between these two concepts can be reconceptualized within a coherent conceptual system. The central core of the “conceptual system of just progress” posits that any conception of growth and progress inherently entails a



corresponding definition of what is considered right and just; in other words, every form of progress implicitly adopts a particular understanding of justice.

This system is structured across two interrelated layers. The first is the foundational and directional layer, in which the triad of spirituality, rationality, and justice (corresponding to the fourfold framework of thought, science, life, and spirituality) is identified as the guiding and governing principles of the process of just progress. The second is the teleological layer, encompassing ultimate ends and objectives. Within this layer, three core goals—the consolidation of governance, the sustainability of generations, and the consolidation of wealth—are articulated as the final aims of just progress.

Conclusion: The present research demonstrates that, contrary to certain prevailing interpretations and readings, progress and justice are not two entirely separate or mutually conflicting concepts; rather, they are situated within a broader, overarching system. In this perspective, progress and justice are fully aligned and overlapping, such that “people-centered progress is defined as social justice itself.” Accordingly, the dimensions, criteria, and principles of social justice must constitute the core foundation and cornerstone of any model of progress. By simultaneously emphasizing spiritual–rational foundations and concrete, constitutive objectives, this conceptual system can function as a theoretical roadmap for overcoming conceptual disputes and policy-making fluctuations. Themes such as “criteria and indicators of just progress,” “the relationship between objectivity and subjectivity in just progress,” and “the dimensions and differentiations of just progress” may be regarded as significant and prospective research agendas for scholars interested in this field.

Keywords: Progress, Social Justice, Development, Thinking, Life, Spirituality, Public Policymaking, Supreme Leader Ayatollah Khamenei.

Citation: Sajjadih, S. A., Torabzadeh Jahromi, M.S., & Sarabadani Tafreshi, H. (2026) Designing a Conceptual System of Justice Progress; Theoretical Formulation of “Progress” and “Justice” in Intellectual Thought of the Leader of the Islamic Republic of Iran. *Journal of Iranian Public Administration Studies*, 8(4), 45-71.



طراحی نظام مفهومی پیشرفت عادلانه؛

صورت‌بندی نظری «پیشرفت» و «عدالت» در منظومه فکری مقام معظم رهبری

سیدعلیرضا سجادیه^۱، محمدصادق ترابزاده^۲، حسین سرآبادانی تفرشی^۳

۱. استادیار، گروه خطمشی و اداره امور عمومی، دانشکده مدیریت دولتی و علوم سازمانی، دانشکده‌گان مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران (*نویسنده مسئول).

email: ar.sajadieh@ut.ac.ir

۲. دکتری مدیریت دولتی و خطمشی‌گذاری عمومی و پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.

email: torabzadeh@isu.ac.ir

۳. دکتری مدیریت دولتی و خطمشی‌گذاری عمومی و پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.

email: Sarabadani@isu.ac.ir

DOI: 10.22034/jipas.2025.518694.1797

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۹

هدف: این پژوهش با هدف تنقیح مفهومی و تعیین نسبت دقیق بین دو مفهوم کلیدی «پیشرفت» و «عدالت» به‌عنوان شعار محوری دهه چهارم انقلاب اسلامی ایران انجام شده است. از آن‌جایی که توسعه‌یافتگی و ترقی روزافزون جزو مهم‌ترین مسائل و آرمان‌های مصلحان اجتماعی و البته حکومت‌های گوناگون محسوب می‌شود و مبتنی بر این مفاهیم کلان، تجویزهای ریز و درشتی در سطح خطمشی‌های گوناگون ملی رقم می‌خورد، ارائه چارچوبی منسجم از نسبت پیشرفت و عدالت ضروری به نظر می‌رسد. «نظام مفهومی پیشرفت عادلانه» از طریق بازخوانی اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای (به‌عنوان واضع عبارت «پیشرفت و عدالت») تلاش دارد ضمن ارائه روایت متلائم با اندیشه ایشان، زمینه همگرایی دیدگاه‌های متنوع و رفع چالش‌های نظری و اجرایی موجود در این حوزه باشد.

روش‌شناسی: مطالعه حاضر با رویکردی اکتشافی و کیفی انجام شده است. روش اصلی پژوهش، «تحلیل مضمون» با مراحل ۶ گانه براون و کلارک است. متون و سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای در باب پیشرفت و عدالت از طریق تحلیل عمیق و تفصیلی این منابع و در قالب مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر استخراج و در قالب یک شبکه معنایی منظم، ترکیب و ارائه شده‌اند.

یافته‌های پژوهش: براساس تحلیل انجام‌شده، نسبت بین این دو مفهوم در قالب یک نظام مفهومی منسجم قابل بازطراحی است؛ هسته مرکزی «نظام مفهومی پیشرفت عادلانه» این است که: «هر نوع تلقی از رشد و پیشرفت، با خود تعریفی از درستی و عادلانه بودن را همراه دارد و در واقع هر پیشرفتی در باطن خود تعریفی از عدالت را اتخاذ کرده است». این نظام در دو لایه ساختار یافته است: اول، لایه مبانی و جهت‌دهنده است که سه‌گانه «معنویت، عقلانیت و عدالت» (معادل چهارگانه «تفکر، علم، زندگی و معنویت») به‌عنوان اصول جهت‌دهنده و حاکم بر فرایند پیشرفت عادلانه شناسایی شدند و دوم، لایه غایات و اهداف هستند؛ سه هدف محوری «قوام دولت»، «قوام نسل» و «قوام مال» به‌عنوان غایات نهایی پیشرفت عادلانه تبیین شد.

نتیجه‌گیری: پژوهش حاضر نشان می‌دهد برخلاف برخی قرائت‌ها و تلقی‌های ارائه‌شده، پیشرفت و عدالت دو مفهوم کاملاً جدا (مجزا) و متعارض با یکدیگر نیستند، بلکه در یک نظام کلان‌تر جایابی می‌شوند. در حقیقت، پیشرفت و عدالت در این تلقی، کاملاً منطبق و همپوشان هستند و «پیشرفت مردم‌پایه، عین عدالت اجتماعی» تعریف می‌شود. بنابراین، ابعاد، معیارها و اصول

واژگان کلیدی:

پیشرفت، عدالت اجتماعی، توسعه، تفکر، زندگی، معنویت، خطمشی‌گذاری عمومی، آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی.



عدالت اجتماعی باید محور و سنگ بنای هر الگوی پیشرفتی قرار گیرند. این نظام، با تأکید همزمان بر مبانی معنوی- عقلانی و اهداف عینی قوام‌بخش، می‌تواند به‌عنوان نقشه راه نظری برای خروج از دعوای مفهومی و تذبذب‌های خط‌مشی‌گذاری عمل کند. محورهایی چون «معیارها و سنجش‌های پیشرفت عادلانه»، «نسبت عینیت و ذهنیت در پیشرفت عادلانه» و همچنین «ابعاد و افزایش پیشرفت عادلانه» می‌توانند به‌عنوان دستورکارهای پژوهشی بعدی و مهم مدنظر پژوهشگران علاقمند در این عرصه باشند.

استناد: سجادیه، سیدعلیرضا؛ ترابزاده، محمدصادق؛ و سرآبادانی تفرشی، حسین (۱۴۰۴). طراحی نظام مفهومی پیشرفت عادلانه؛ صورت‌بندی نظری «پیشرفت» و «عدالت» در منظومه فکری مقام معظم رهبری. *مطالعات مدیریت دولتی ایران*، ۸(۳)، ۴۵-۷۱.

مقدمه

در جهان امروز، توسعه^۱ و توسعه‌یافتگی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مصلحان اجتماعی و حکومت‌های گوناگون و جوامع محسوب می‌شوند. کشورهای مختلف در سراسر جهان سعی در حرکت سریع‌تر به سمت این آرمان - به ظاهر - جهانی دارند؛ آرمانی که غالباً مبتنی بر الگوپنداری کشورهای توسعه‌یافته است. مباحث نظری توسعه به‌طور جدی در نیمه دوم قرن بیستم و پس از جنگ جهانی دوم مورد توجه قرار گرفت (Morse, 2004؛ از کیا، ۱۳۸۶). در دهه ۱۹۵۰، کشورهایی که آمریکا را مظهر آرمانی خود می‌دانستند، با بهره‌گیری از نظریات بین‌رشته‌ای دانشمندان آمریکایی در قالب «مکتب نوسازی»، سعی در توسعه دادن کشورهای خود کردند و در دهه ۱۹۶۰، این بار در بین اندیشمندان کشورهای در حال توسعه - یعنی آمریکای لاتین - اما به پشتوانه تفکرات مارکسیستی، نظریاتی دیگر در قالب «مکتب وابستگی» مطرح شد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶). از آن زمان تاکنون مباحث زیادی حول این دو نوع تفکر و نسخه‌های مختلف توسعه مطرح شده است، که بعضاً موجب پیدایش مکاتب دیگری نیز شده‌اند؛ ولی آن چه که در گرامر این نظریه‌پردازی‌های دانشمندان برای توسعه دادن کشورهای به‌اصطلاح توسعه‌نیافته مشترک به نظر می‌رسد، عبارت‌اند از: محوریت صنعتی شدن در فرایند توسعه (سریع‌القولم، ۱۳۸۰)، تمرکز بر اقتصاد؛ سرمایه‌داری به‌عنوان هدف اصلی (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶) دولت حداًقلی، توجه فراگیر به علم و عقلانیت، سیاست خارجی مدافع اقتصاد ملی، بخش خصوصی فعال، نظام آموزشی کاربردی، حاکمیت کارآمدی در تمامی سطوح نظام اجتماعی و غیره (سریع‌القولم، ۱۳۸۰). در کنار این موارد واکنش دیگری که به نظریه‌های توسعه در کشورهای پیرامونی غلبه پیدا کرد، طرح این پرسش مبنایی بود که آیا توسعه اساساً یک برنامه جهانشمول و جهان‌وطنی با فکر و نسخه واحد دارد یا نیازمند الگوهای بومی، ملی و اقتضایی با لحاظ خصلت‌های نهادی و ساختاری هر جامعه، قابل تعریف است؟ اگر حقیقت در میانه این دو مسیر است، راه سوم چیست؟

ایران از سال ۱۳۲۷ (۱۹۴۸ میلادی) تا پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی دارای پنج برنامه عمران و توسعه (۵ ساله و ۷ ساله) بوده است و پس از انقلاب تاکنون نیز سابقه طراحی و اجرای هفت برنامه توسعه را از سر گذرانده است. جالب آن‌جاست که از نظر تاریخی، پس از آلمان (۱۹۳۳)، فرانسه و ژاپن (۱۹۴۷)، ایران چهارمین کشور است که به برنامه‌ریزی توسعه پرداخته است (اکبری، ۱۳۷۸). با این وجود، با خوش‌بینی می‌توان گفت در ایران تنها در دو دهه اخیر است که نگاهی نسبتاً متفکرانه و نقادانه در این حوزه راه پیدا کرده است؛ چرا که بررسی تاریخی نشانگر آن است که همه برنامه‌های توسعه در زمان پهلوی توسط شرکت مورپسن تدوین شده است و عنصر تفکر و نقادی اندیشمندان ملی در آن‌ها وجود نداشته است (امامی و همکاران، ۱۳۸۹). علاوه بر این، جمع‌بندی بخشی از پژوهشگران عرصه توسعه ملی نیز آن است که برنامه‌های توسعه در ایران به‌دلایلی چون فقدان نظریه و الگوی بومی، ضعف نهادسازی و ساختاری، تعهد کم دولت‌ها، وابستگی به منابع نفتی، فقدان شفافیت در تصمیم‌گیری، مشکل نظارت و ارزیابی دقیق و... معمولاً به هدف نرسیده و دچار شکست‌های اساسی شده‌اند (انتظامی، ۱۴۰۲؛ آقاسی زاده، ۱۳۹۹؛ امامی، ۱۳۹۸).

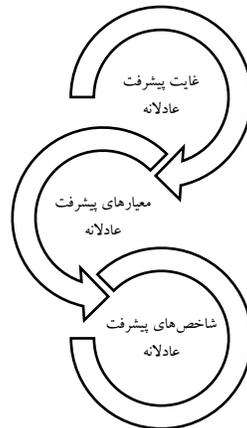
از سوی دیگر، انقلاب اسلامی از زمان ظهور خود تا امتداد امروزینش، به‌دنبال شکل‌دهی و ساخت جنسی متمایز از جامعه و آحاد انسانی بوده است. دو ویژگی اسلامی - ایرانی را باید جزو مهم‌ترین مؤلفه‌های ساخت جامعه مذکور دانست. از این‌رو، ادبیات مفهومی و الگوهای سازمانی - نهادی چنین انقلابی همواره متمایز از دیگر الگوهای مرسوم جهانی و بین‌المللی بوده است. چنین تفاوتی، مسیر، غایت و دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. پس از انقلاب و جنگ تحمیلی نیز رهبر معظم انقلاب با توجه به آرمان‌ها و اصول انقلاب، سیاست‌های کلان برنامه‌های توسعه را متمایز از تفکرات و ارزش‌های غربی طرح کرده‌اند. اما در طول دو دهه گذشته دو اتفاق و کنش مهم نظری و عملی دیگر از سوی ایشان نسبت به جریان کلی برنامه‌ریزی و حرکت در کشور رقم خورده است:

1. Development

▪ نام‌گذاری و تبیین دهه چهارم انقلاب اسلامی (۱۳۸۶-۱۳۹۵) به «دهه پیشرفت و عدالت»^۱ و ترسیم ابعاد اصلی «الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت»

▪ ارائه تصویری از گام دوم انقلاب اسلامی و الزامات حرکت ۴۰ ساله دوم کشور
 علی‌رغم حجم قابل توجه مطالب تبیینی پیرامون ابعاد مباحث پیشرفت و عدالت، اما همچنان صحنه مدیریت، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کشور عمدتاً از این عبارات و بیانات مرتبط به‌عنوان تزئینات «اسناد برنامه» استفاده کرده و خروجی ملموس و چشمگیری در زمینه پیشرفت عدالت‌محور حاصل نشده است، به‌نحوی که رهبر معظم انقلاب عقب‌ماندگی کشور در این زمینه را به‌صراحت بیان کردند (۱۳۹۶/۱۱/۲۹).

فقدان و عدم دسترسی و مبنا قرار گرفتن تعریف و مختصات درست پیشرفت و عدالت عملاً نظام خط‌مشی‌گذاری ملی را نیز دستخوش تذبذب و سرگردانی کرده و عملاً هر مسئول و گروهی با فهم و ظن خود در این زمینه تجویزهایی را انجام و به مرحله عمل می‌رساند. این در حالی است که به نظر می‌رسد در یک نگاه سه‌لایه‌ای، ابتدا باید غایات یک پیشرفت عادلانه را تعریف و سپس از مسیر تولید و سنجش معیارهای آن به یک تصویر درست و صحیح از وضعیت کشور و اقتضائات حرکت آن در مسیر پیشرفت عادلانه دست پیدا کرد.



شکل ۱: لایه‌های تولید معیارها و شاخص‌های پیشرفت عادلانه^۲

از این رو، مقاله حاضر تلاش دارد با بازخوانی تلاش‌های علمی و فکری در زمینه «نسبت‌یابی پیشرفت و عدالت» و تمرکز بر اندیشه رهبر معظم انقلاب، به یک قرائت و طراحی مفهومی متلائم و صحیح از این دو مفهوم راهبردی و راهبردی ملی برسد و به این پرسش که «جایگاه و نقش عدالت در مسیر پیشرفت ملی چیست؟» پاسخ دهد. در این مسیر به نظر می‌رسد تمایز و نوآوری پژوهش حاضر را باید در روایت منسجم، متلائم و عمیق‌تر از این دو مفهوم فارغ از نگاه‌ها و تلقی‌های مرسوم از نسبت پیشرفت و عدالت در ادبیات ملی دانست.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

سخن در باب پیشرفت بدون سخن گفتن و رهگیری ادبیات توسعه در حوزه بین‌المللی ناقص خواهد بود. از این رو، لازم است در بخش مبانی نظری و به‌منظور فهم دقیق مختصات موضوع مقاله، ادبیات این قسمت در دو بخش ارائه شود. در بخش اول، ضمن اشاره اجمالی به انواع و انگاره‌های توسعه به برخی از نقدهای ایراد شده به آن‌ها اشاره خواهد شد. اما در بخش دوم این قسمت به‌طور خاص نگاه‌ها

^۱ . Decade of Progress & Justice

^۲ . تحلیل و تدوین معیارهای پیشرفت عادلانه در کار پژوهشی مجزایی انجام گرفته و در آینده منتشر خواهد شد.

و زوایای دید نسبت به موضوع «پیشرفت و عدالت» مورد مذاقه و واکاوی قرار خواهد گرفت. بنابراین می‌توان بخش اول را مبانی نظری عام و بخش دوم را مبانی نظری اختصاصی نامید.

مروری بر نگاه‌ها و تعاریف توسعه

اصطلاح «توسعه» ابتدا توسط پژوهش‌گران و سیاست‌گذاران آمریکایی و در میان آنان، محبوبیت یافت و سپس به سرعت به اروپا و به‌ویژه کشورهای کمتر صنعتی جهان معرفی شد (سمیعی و مقصودی، ۱۳۸۵). ایالات متحده به‌عنوان هژمون بعد از جنگ جهانی دوم، درصدد اصلاح و بازسازی تدریجی کشورهای مغلوب و نوظهور غیر غربی، و تبدیل آن‌ها به «دموکراسی‌های سبک غربی» بود. در این دوران، ایالات متحده فعالیت‌های فراوانی را در سطح کشورهای مختلف انجام داد؛ مانند انجام طرح مارشال برای بازسازی اروپای غربی، اصل چهار ترومن برای کمک‌های اقتصادی و فنی به کشورهایی مانند یونان، ایران و ترکیه؛ افزایش کمک‌های خارجی خود به کشورهایی مانند پاکستان، تایلند و کره جنوبی در راستای «نوگرایی»؛ و تأسیس «آژانس آمریکا برای توسعه بین‌المللی»^۱. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ که به دهه‌های توسعه معروف شدند، کشورهای آفریقایی، آسیایی و آمریکای لاتین، پس از سال‌ها مبارزه برای استقلال خود و استعمارزدایی، در معرض این الگوهای توسعه قرار گرفتند؛ الگوهایی که به نظر می‌رسید می‌توانست موجبات پیشرفت آنان را در بخش‌های گوناگون فراهم آورده و جایگاه این کشورها را در حوزه بین‌الملل بهبود بخشد. این رویدادها در محبوبیت این مفهوم در حوزه بین‌المللی نقش مهمی داشته است. علاقه شدید جامعه دانشگاهی آمریکا و پژوهش‌گران اروپا و سایر مناطق به بررسی جوامع غیر غربی - تحت نام کشورهای در حال توسعه - نه تنها باعث افزایش محبوبیت اصطلاح توسعه شد، بلکه به رشد مفهومی و روش‌شناسی آن نیز دامن زد (مولانا، ۱۳۷۱). به این ترتیب پرسش از علت پیشرفت جوامع، موجب شکل‌گیری نظریه‌های جدید در توسعه با نگرش‌ها و رویکردهای مختلف شده است. (سمیعی و مقصودی، ۱۳۸۵).

واقعیت آن است که مباحث نظری توسعه در رشته‌های مختلف مانند اقتصاد توسعه، جامعه‌شناسی توسعه، اداره امور توسعه و سایر رشته‌های مرتبط، به مکاتب مختلفی تقسیم می‌شود. این دسته‌بندی‌های نظری را می‌توان در کتب و مقالات مختص هر یک از این رشته‌ها یافت. اما به نظر می‌رسد مرور تطور نظریات مختلف توسعه ذیل سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی - که یکی از بازیگران اصلی و مهم تولید و گسترش مفهومی و عملیاتی بحث توسعه در بین کشورها هستند - مسیری میان‌بر و معتبر برای فهم مختصات نظریات توسعه در سالیان گذشته باشد. از این‌رو، دسته‌بندی زیر مبتنی بر سیر کلی طرح مفاهیم و شاخص‌های توسعه در چهار نگاه یا جریان حاکم بر سازمان‌های بین‌المللی مطرح شده است. جالب آن است که این چهار نگاه، در حال حاضر همگی حیات دارند؛ شاید در مراکز علمی - تحقیقاتی، برخی از این نگاه‌ها (مانند نگاه اول)، مردود تلقی شوند، اما در بین تصمیم‌گیران و مدیران کشورها و دولت‌ها هنوز زنده و پرتطرفدار به نظر می‌رسند (امامی و همکاران، ۱۳۸۹): رشد اقتصادی، توسعه اقتصادی، توسعه انسانی، توسعه پایدار.

جدول ۱. روندشناسی مفهوم «توسعه» در ادبیات بین‌المللی

زمان	نگاه به توسعه	تعریف توسعه	شاخص‌های محوری
۱۹۵۰	توسعه با محوریت «رشد اقتصادی»	رشد اقتصادی به افزایش کمی و مداوم در تولید یا درآمد سرانه کشور از طریق ارتباط با افزایش نیروی کار، مصرف، سرمایه و حجم تجارت اطلاق می‌شود. (Morse, 2004) در نتیجه در این نگاه، مورد توافق‌ترین شاخص‌ها «تولید ناخالص ملی» (GNP) است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶).	تولید ناخالص ملی (GNP)
۱۹۷۰	توسعه با محوریت «توسعه اقتصادی»	مفهوم توسعه، جایگاه و چارچوبی فراتر از عامل‌های صرفاً کمی است و مشمول تغییر و تحولات ساختارهای اجتماعی و فرهنگی	سطح بهداشت، تغذیه، تحصیلات، مسکن، نرخ مرگ و میر و ...

¹ . USAID: United States Agency for International Development

شاخص‌های محوری	تعریف توسعه	نگاه به توسعه	زمان
رفاه اقتصادی مانند میزان برخورداری از کالاها و خدمات، دسترسی به امکانات عمومی و ...	نیز هست. توسعه بیشتر یک تحول کیفی است تا کمی. هیچ‌یک از شاخص‌ها، به‌تنهایی نمی‌تواند معرف دست‌یابی به توسعه اقتصادی باشند و باید تمامی این موارد را به‌منظور حصول توسعه اقتصادی در کنار هم در نظر داشت (ازکیا، ۱۳۸۶؛ اکبری، ۱۳۷۸).		
درصد جمعیتی زیر خط فقر نسبت میانگین دستمزد زنان به دستمزد مردان درصد جمعیت دارای تأسیسات کافی دفع فاضلاب جمعیت اسکان‌یافته در شهر به‌صورت رسمی و غیررسمی	توسعه‌ای که نیازمندی‌های حاضر را بدون لطمه زدن به توانایی نسل‌های آتی در تأمین نیازهای خود برآورده می‌کند» (WCED, 1987: 43). این جریان بر چند چیز تأکید داشت: در نظر گرفتن ملاحظات زیست‌محیطی در روند دست‌یابی به توسعه اقتصادی؛ عدم احتساب فعالیت‌های آسیب‌رسان، مخرب و آلوده‌کننده محیط طبیعی آدمی در زمره فعالیت‌های توسعه‌مدار؛ و به معنای وسیع‌تر، در نظر گرفتن «عدالت بین‌نسلی» و «درون‌نسلی» در روند دست‌یابی به توسعه (امامی و همکاران، ۱۳۸۹). همچنین با محوریت «دپارتمان امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد» ^۱ مجموعه شاخص‌های توسعه پایدار در ۴ بعد اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و نهادی تدوین شد (ناظمی، ۱۳۸۸).	توسعه با محوریت «توسعه پایدار»	۱۹۷۰
شاخص HDI	توسعه انسانی، یعنی گسترش فرایند انتخاب افراد و هدف اصلی توسعه، بهره‌مند کردن راستین انسان است؛ یعنی بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی افراد انسانی. این نگاه به توسعه، انسان را در مرکز الگوهای توسعه قرار می‌دهد، نه در حاشیه آن؛ همچنین موضوعات عمیقی را درباره ویژگی‌های رشد اقتصادی و چگونگی توزیع آن به میان می‌آورد. توسعه انسانی دو وجه دارد: از یک‌سو به شکل‌گیری قابلیت انسان (از راه سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی) تأکید می‌کند؛ و از سوی دیگر، به همان اندازه نیز شیوه به‌کارگیری این قابلیت‌های رشدیافته را (از راه ایجاد چارچوبی برای مشارکت در رشد درآمد و اشتغال) مورد توجه قرار می‌دهد. (عباسی‌نژاد و رفیعی امام، ۱۳۸۵) تلاش‌های متعددی برای آفرینش شاخص‌های ترکیبی که بتواند به‌صورت مکمل یا جایگزین شاخص‌های سنتی انجام وظیفه کند، پدید آمده است (Dar & Otit, 2002).	توسعه با محوریت «توسعه انسانی»	۱۹۸۰- ۱۹۹۰
شاخص ترکیبی پیشرفت اجتماعی شامل سه بُعد نیازهای اساسی انسانی، بنیان‌های رفاه و فرصت‌ها است.	توسعه اجتماعی یا پیشرفت اجتماعی به رفاه افراد و کارکرد سازگار جوامع اشاره دارد و در برگزیده تلاش‌ها، مسائل، علایق و بخش‌های توسعه و چشم‌انداز اجتماعی برای ملاحظه حوزه فعالیت‌های انسانی است. این چشم‌انداز، فرد را در ارتباط با جامعه	توسعه (پیشرفت) اجتماعی	۲۰۰۰

¹ UNDESA: United Nations Department of Economic & Social Affairs

شاخص‌های محوری	تعریف توسعه	نگاه به توسعه	زمان
مواردی چون تغذیه، مراقبت‌های پزشکی، آب و بهداشت عمومی، مسکن، امنیت فردی، دسترسی به آموزش، اطلاعات و ارتباطات، سلامت، کیفیت محیط زیست، دسترسی به فرصت‌های اقتصادی، آزادی‌های فردی و برابری اجتماعی توسط سازمان غیرانتفاعی Social Progress Imperative پایش می‌شود.	می‌بیند و ابعاد متنوع نیازهای او را در نظر می‌گیرد (UN, 2002)؛ غلامپور آهنگر، ۱۳۸۳)		
۱۷ بخش و ۲۵۰ سنجه	با محوریت «دپارتمان امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد» و همکاری سایر نهادهای عمومی و تخصصی ذیل این سازمان (مانند یونسکو، فائو و...) برنامه کلان، راهبردی و ۱۵ ساله (تا سال ۲۰۳۰) برای توسعه کشورهای جهان پیشنهاد شد و از مسیر اقناع و اجماع بین‌المللی، نهادهای متنوع دولتی، خصوصی و غیردولتی برای تحقق آن بسیج شدند. ^۱	توسعه پایدار ۲۰۳۰	۲۰۱۵ به بعد

مروری بر نگاه‌ها و تعاریف در باب پیشرفت و عدالت

با گسترش ادبیات «پیشرفت و عدالت» در سطح ملی در اواسط دهه ۸۰ شمسی، نقطه تمرکز بخشی از نخبگان و اندیشمندان بر تعریف هر یک از دو جزء مذکور و تبیین نسبت بین آنها قرار گرفت. مرور مباحث انجام‌شده برای فهم و ارائه مسیری جدید در نوشته حاضر بایسته به نظر می‌رسد. به‌طور خلاصه نگاه‌های ارائه‌شده درباره نسبت دو مفهوم پیشرفت و عدالت در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۲. نسبت‌یابی پیشرفت و عدالت در ادبیات مرسوم

عنوان - نویسنده	تعریف و تبیین «پیشرفت و عدالت»
۱. عدالت و توسعه اجتماعی؛ حسین ایزدی (۱۴۰۱)	مقاله حاضر به‌دنبال بررسی دو مفهوم توسعه و عدالت و نسبت بین آن‌ها است. با بررسی منابع مختلف نویسنده فرضیه خود مبنی بر «هم‌پوشان بودن و تأییدگر بودن» دو مفهوم پیشرفت و عدالت را تأیید می‌کند. نویسنده دو مفهوم مذکور را نه تنها دارای تعارض نمی‌داند بلکه آن‌ها را کاملاً هم‌راستا با یکدیگر می‌شمارد.
۲. نسبت‌یابی عدالت و پیشرفت؛ مهدی موحدی بک‌نظر (۱۳۹۸)	در این نوشته، نویسنده با بررسی ۵ حالت ممکن در ادبیات اندیشمندان پیرامون نسبت عدالت و پیشرفت (تقدم پیشرفت بر عدالت؛ تقدم عدالت بر پیشرفت؛ تباین پیشرفت و عدالت؛ تلازم پیشرفت و عدالت؛ تساوی و این‌همانی پیشرفت و عدالت) تلاش می‌کند از خلل بررسی صورتی‌ترین حالت ممکن برای ۲ واژه «عدالت» و «پیشرفت» نظر خود را ارائه کند. جمع‌بندی آن که از «عدالت» و «پیشرفت» هر دو در شکل صوری و حداقلی خود واجد صفت بایستگی هستند و عملاً هر اقدام،

^۱ . برای مطالعه تفصیلی اهداف و نماگرهای ذیل هر یک نگاه کنید به:

https://unstats.un.org/sdgs/indicators/Global%20Indicator%20Framework%20after%20refinement_Eng.pdf

عنوان - نویسنده	تعریف و تبیین «پیشرفت و عدالت»
	سیاست، تدبیر، الگو و قاعده‌ای متصف به پیشرفت و عدالت هست. این دو مفهوم، تعبیری این‌همانی هستند و فارغ از معنای هریک در بیشتر اوقات لفاظی‌های خطابی برای تبیین و دفاع از بایستگی‌های گوینده‌اش هستند.
۳. توسعه و عدالت از دیدگاه امام خمینی (ره)؛ مرتضی عزتی (۱۳۹۷)	نویسنده با بررسی آرا و نظرات امام خمینی (ره) در زمینه توسعه و عدالت، در نهایت به چند گزاره ایجابی رسیده است: عدالت اجتماعی مقدم بر توسعه اقتصادی است؛ عدالت اجتماعی به احتمال قوی مقدم بر سایر اهداف اجتماعی توسعه و حداقل مقدم بر برخی از اهداف اجتماعی توسعه است؛ تحقق عدالت باطنی انفرادی برای همه انسانها مقدم بر اهداف اجتماعی توسعه و به تبع آن مقدم بر اهداف اقتصادی توسعه است؛ چون هدف انسان‌ها خداگونه شدن است، همه ابعاد توسعه اقتصادی و اجتماعی وسیله‌ای برای آن است و یکی از جنبه‌های خداگونه شدن نیز تحقق صفت عدل در انسان‌هاست.
۴. پیشرفت متعالی در جمهوری اسلامی بر مبنای حکمت و سیاست متعالیه؛ ابراهیم برزگر، صدیقه لکزایی (۱۳۹۵)	این مقاله به دنبال تعریف و ترسیم پیشرفت مطلوب جمهوری اسلامی از منظر حکمت متعالیه است. بر این مبنا، الگوی پیشرفت متعالی با برش علل صوری و با محوریت رکن فرهنگ (تعالی توحیدی و قرب الهی) و اتصال ۲ رکن اقتصاد (تأمین معاش) و سیاست (تعادل و عدالت) به آن ارائه شده است.
۵. استخراج ویژگی‌های توسعه مطلوب از دیدگاه امام خمینی (ره) بر مبنای تعریف عدالت نزد ایشان؛ حسن شفیعی، بهرام زاهدی (۱۳۹۳)	نویسندگان با این ادعا که جمهوری اسلامی و معمار کبیر آن به دنبال جنس و نوع خاصی از توسعه - متمایز از سبک‌های موجود - بودند و بر این اساس معتقد است که عدالت از نگاه امام خمینی (ره) تعیین‌کننده ویژگی‌های اصلی توسعه مطلوب از نگاه ایشان است. الگوی مذکور ۵ رکن مهم دارد: جهت‌گیری کلی به سمت سعادت نهایی، استقلال و خودکفایی، توانمندی، قانون‌گرایی و تحقق عدالت اجتماعی. عدالت از نگاه امام خمینی (ره) به قرار گرفتن انسان در مسیر تعالی روحانی و تضمین عدالت اجتماعی اشعار دارد.
۶. نسبت توسعه و عدالت در سه گفتمان لیبرالیسم، سوسیالیسم و اسلام؛ محمد منصورنژاد، حبیب زمانی محجوب (۱۳۹۲)	در این مقاله، سه گفتمان لیبرالیسم (با محوریت رالز و هابک)، سوسیالیسم (سه روایت تخیلی، علمی و سوسیالیسم اصلاح‌طلب) و اندیشه اسلامی (با تأکید بر آرای شهید مطهری) در باب توسعه و عدالت مورد بررسی قرار گرفته است. نویسندگان نتیجه گرفته‌اند که لیبرالیسم، توسعه را بر عدالت، و سوسیالیسم، عدالت را بر توسعه مقدم می‌داند. اسلام نیز قائل به تقدم شأنی (زمانی) عدالت بر توسعه است.
۷. رابطه پیشرفت و عدالت؛ حجت‌الاسلام میرباقری (۱۳۹۲)	نویسنده ابتدا با تعریف پیشرفت به تعالی، تکامل هم‌آهنگ و نظام‌مند یک موضوع، بین دو نوع پیشرفت مادی و پیشرفت الهی تمایز قائل شده و به بیان خصوصیات و مختصات هریک از آن‌ها پرداخته است. مبتنی بر این نگاه، عدالت تابع پیشرفت است و جدای از پیشرفت، التذاد به دنیا یا پیشرفت عبودیت ارزش ذاتی ندارد؛ عدالت، ساختار و سازوکاری برای پیدایش هدف و جهت و غایت به‌شمار می‌رود. در واقع، عدالت واسطه تحقق یک غایت و ارزش محوری است که آن، رسیدن به خداپرستی بر محور اولیای خدا (پیشرفت الهی) و یا دنیاپرستی بر محور رفاه و لذت‌جویی مادی (پیشرفت مادی) است. بنابراین، عدالت امری است که در نسبت با پیشرفت (الهی یا غیرالهی) معنا پیدا می‌کند، اما در همه تنظیمات و تصمیمات و آرمان‌های دیگر اجتماعی پس از خود، اصل قرار می‌گیرد و پایه برنامه‌ریزی‌های بعدی است. عدالت، هم چون پیشرفت، مفهومی مبتنی بر تلقی نظام‌مند از امور است نه مبتنی بر جدانگری و ذات‌باوری؛ اگر نظام و مجموعه شناخته نشود و نتوان جایگاه مطلوب پدیده را در یک نظام شناخت، عدالت را هم نمی‌توان توضیح داد.

عنوان - نویسنده	تعریف و تبیین «پیشرفت و عدالت»
۸. میانجی، سیر تدوین، مدل مفهومی و الزامات تدوین «الگوی اسلامی - ایرانی» پیشرفت؛ سیدمهدی زریباف (۱۳۹۲)	نویسنده با ارائه «نظریه عدالت ولایی» آن را مبنا و مسیر اصلی پیشبرد «الگوی اسلامی پیشرفت» معرفی کرده است. پیش فرض چنین نگاهی آن است که پیشرفت در معنای حقیقی خود نوعی «توسعه وجودی» است که تنها از مسیر عدالت محقق می‌شود.
۹. پیشرفت به‌مثابه عدالت (براساس تبیین انسان‌شناختی)؛ عطاالله رفیعی آتانی (۱۳۹۱)	مبنای مقاله حاضر بررسی رابطه بین دو مفهوم پیشرفت و عدالت است. از این‌رو، ضمن مقایسه دو چارچوب «توسعه» و «پیشرفت» براساس مدل روش‌شناختی لاکاتوش (هسته سخت یک پارادایم) به این جمع‌بندی می‌رسد که نظریه اسلامی پیشرفت مستلزم یک نظریه برای عدالت نیز خواهد بود. جمع‌بندی نویسنده آن است که پیشرفت و عدالت مبتنی بر اندیشه دینی نوعی عینیت داشته و به یک واقعیت اشاره دارند.
۱۰. نسبت‌شناسی «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» و «عدالت» با تأکید بر عدالت‌سازمانی؛ علی‌اکبر افجه، محمود جعفرپور (۱۳۹۱)	مقاله حاضر به نسبت‌شناسی بین الگوی پیشرفت و عدالت می‌پردازد. نتیجه این نسبت‌یابی آن است که نیل به عدالت ترجمانی دیگر از پیشرفت دانسته شده و دستیابی به پیشرفت بدون توجه به عدالت میسر نخواهد بود. در این معنا، عدالت در مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت جایابی شده است.
۱۱. ویژگی‌های پیشرفت و تعالی در پرتو رهنمودهای امام علی علیه‌السلام؛ علی اصغر پورعزت، علی اصغر سعدآبادی (۱۳۹۱)	نویسندگان با تأکید بر نیازمندی هر ملت به الگویی متناسب با ارزش‌ها و هنجارهای خود، الگوی علوی را مبنای تحلیل ابعاد پیشرفت قرار داده‌اند. نتیجه آن‌که، شاخص‌ها و اهداف توسعه متعالی در سه شاخه اصلی رفتاری، ساختاری و زمینه‌ی، شناسایی و طبقه‌بندی شده است. عدالت در ساحت‌های مختلف (فردی، زمینه‌ای، اقتصادی و...) نقش پررنگی در الگوی مذکور دارد.
۱۲. مفهوم و ماهیت پیشرفت با رویکرد اسلامی - ایرانی؛ محمدحسین مردانی نوکنده (۱۳۹۰)	نویسنده، عدالت و پیشرفت را دو مقوله به‌هم‌پیوسته و جدایی‌ناپذیر تحلیل کرده و تحقق پیشرفت واقعی را در سایه تحقق عدالت اجتماعی تعریف و صورت‌بندی می‌کند.
۱۳. رابطه و نسبت عدالت و پیشرفت در دولت اسلامی؛ علیرضا صدرا (۱۳۸۹)	فرضیه محوری مقاله مذکور آن است که «عدالت و پیشرفت در نظریه و نظام اسلامی - ولایی، مکمل و لازم و ملزوم یکدیگر هستند». برای بررسی و صحت‌سنجی این فرضیه، نویسنده جایگاه پیشرفت و عدالت را از منظر سه گفتمان سوسیالیسی - کمونیستی، لیبرالیستی - کاپیتالیستی و توحیدی - متعالی اسلام بررسی کرده است. نتیجه آن‌که، نویسنده معتقد است عدالت و پیشرفت در دو نظام لیبرال و سوسیال اساساً متعارض و متباین با یکدیگر بوده و در نظام اسلامی مکمل و ملزوم هم هستند. دولت اسلامی عهده‌دار ترسیم عملی و تحقق عینی و کارآمد راهبرد پیشرفت (سیاست توسعه اقتصادی هم‌زمان با سیاست تعادل در جهت سیاست توسعه تعالی فرهنگی و اخلاقی) است. سیاست تعادل در اینجا شامل عدالت اجتماعی نیز هست.
۱۴. نظری بر اندیشه توسعه عدالت‌محور؛ سیدمهدی زریباف (۱۳۸۶)	مقاله حاضر مبتنی بر روایت «فان فی العدل سعه» از حضرت امیر (علیه‌السلام) اثبات می‌کند که اولاً توسعه عدالت‌محور، خاستگاه تنظیمات و تعاملات اجتماعی انسان‌ها است. ثانیاً به نسبت تحقق مراتب عدالت اقتصادی، توسعه اقتصادی نیز حاصل خواهد شد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با رویکردی اکتشافی به دنبال فهم و تبیین الگوی پیشرفت عادلانه از بطن اندیشه رهبر معظم انقلاب است. برای این مهم از روش تحلیل مضمون به‌عنوان یکی از روش‌های تحقیق کیفی استفاده کرده است. از نگاه برخی اندیشمندان، این روش اولین

روش تحلیل کیفی است که پژوهشگران باید فرا گیرند؛ چراکه مهارت‌های اصلی^۱ برای استفاده بسیاری دیگر از شکل‌های تحلیل کیفی مورد نیاز را فراهم می‌کند (براون و کلارک^۲، ۲۰۰۶). عده‌ای دیگر نیز «مضمون‌سازی معانی» را به‌عنوان یکی از مهارت‌های عام کمتر به اشتراک گذاشته‌شده در بین تحلیل‌های کیفی دانسته‌اند (هالووی و تادرس^۳، ۲۰۰۳). بویاتزیس^۴ این روش را نه به‌مثابه یک روش خاص بلکه به‌عنوان ابزاری برای استفاده در روش‌های متنوع توصیف کرده است (بویاتزیس، ۱۹۹۸).

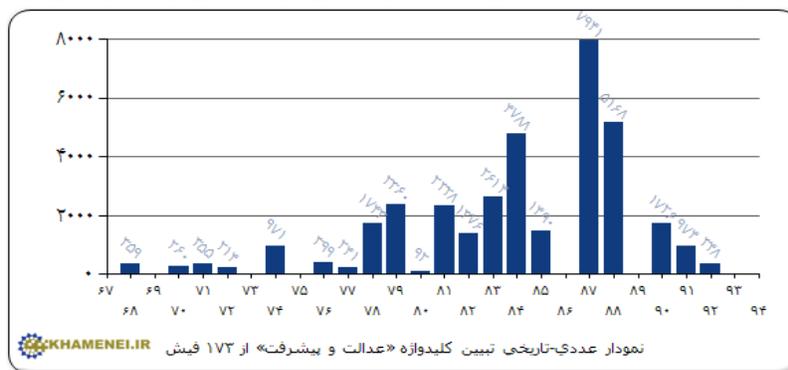
از حیث اجرایی، از یک مدل ۶ مرحله‌ای برای استخراج مدل تجویز مدنظر این پژوهش استفاده شده است. از آن‌جایی که ماهیت پژوهش در چنین روش‌هایی خطی نبوده بلکه جنسی بازگشتی و دوری دارد، بیان پشت سرهم این مراحل لزوماً به‌معنای طی کردن آن‌ها به شکل مرحله‌به‌مرحله نیست. با توجه به جنس و اقتضای موضوعی پژوهش، رفت‌وبرگشت بین این مراحل انجام شده است.

جدول ۳: مراحل اصلی روش تحلیل مضمون (براون و کلارک، ۲۰۰۶)

ردیف	مرحله	توصیف فرآیند
۱	آشناسازی پژوهشگر با داده‌های خویش	رونویسی از داده‌ها، خوانش و دوباره‌خوانی داده‌ها، تدوین ایده‌های اولیه
۲	تولید کدهای اولیه	کدگذاری همه داده‌ها براساس روشی نظام‌مند و مبتنی بر ویژگی‌های مورد علاقه پژوهشگر
۳	جستجوی مضامین	تطبیق کدها با مضامین بالقوه و جمع‌آوری همه داده‌های مرتبط با هر مضمون بالقوه
۴	مرور مضامین	تحلیل و نسبت‌یابی بین مضامین جهت ایجاد تطبیق و تولید نقشه تحلیل مضمونی
۵	تعریف و نام‌گذاری مضامین	خلق تعاریف واضح و نام‌گذاری برای هر مضمون، تحلیل مستمر جهت پایش ویژگی‌های خاص هر مضمون
۶	تدوین گزارش	تحلیل نهایی خلاصه‌های انتخاب‌شده، شرح ارتباط بین تحلیل انجام‌شده با سؤالات و ادبیات پژوهش، خلق گزارشی پژوهشی و تحلیلی

آشناسازی پژوهشگر با داده‌های خود

حسب موضوع محوری پژوهش حاضر که به‌دنبال الگوی پیشرفت عادلانه در اندیشه رهبر معظم انقلاب بود، مجموعه مکتوبات و بیانات ایشان با کلیدواژه‌های «پیشرفت»، «عدالت» به‌صورت منفرد و ترکیبی مورد بررسی و تحلیل جامع قرار گرفت.



شکل ۲: سیر تاریخی و بسامد واژگانی «عدالت و پیشرفت» در بیانات رهبر معظم انقلاب

1. Generic skills
2. Braun & Clarke
3. Holloway & Todres
4. Boyatzis

تولید کدهای اولیه

همزمان با مطالعه و گردآوری فیش‌های متعدد، کدگذاری هریک از اجزای بیانات آغاز شد. واحد تحلیل در فرایند، جملات و بندهایی بودند که در صدد تعریف یا تحلیل نسبت بین عدالت و پیشرفت یا مختصات هریک بودند. در این مسیر در عین تولید کد به لحاظ محتوایی، نکات تفصیلی هر بخش از بیانات و سیر تفصیلی بیانات مهم نیز تا حد امکان آورده شده است. جدول زیر نمونه‌ای از این تحلیل‌ها است:

جدول ۴: نمونه‌ای از تحلیل بیانات رهبر معظم انقلاب برای تولید کدهای اولیه

مضامین پایه	کد	متن بیانات - ۸۳/۰۵/۲۵
<ul style="list-style-type: none"> ❖ ضرورت همراهی عدالت با پیشرفت ❖ تعریف عدالت به غایت اصلی پیشرفت ❖ تعریف پیشرفت به آبادانی دنیا و آخرت ❖ معیار توزیعی عدالت در بهره‌مندی‌های مادی 	<ul style="list-style-type: none"> ▪ تأکید بر عدالت اجتماعی به عنوان روح و معیار مهم تمایز مفهومی انواع پیشرفت ▪ تعریف دو جنس پیشرفت اسلامی و غیراسلامی ▪ تأکید بر نقش شاخص‌های عدالت در تعریف و ارزیابی موفقیت پیشرفت ▪ ترسیم مبانی انسان‌شناسی (انسان دوساحتی) پیشرفت ▪ تعریف متلائم و ترکیبی دنیا و آخرت در اندیشه دینی 	<p>نکته بعدی مسئله پسوند عدالت است. ما گفتیم پیشرفت و عدالت؛ این خیلی معنادار است. فرض بفرمائید یکی از شاخص‌های مهم، افزایش درآمد ناخالص ملی در کشور است. فلان کشور درآمد ناخالص ملی‌اش، مثلاً چندین هزار میلیارد است، فلان کشور یک دهم اوست؛ پس آن کشور اولی پیشرفته است! این منطق، منطق درستی نیست. افزایش درآمد ناخالص ملی - یعنی درآمد عمومی یک کشور - به‌تهائی نمی‌تواند نشانه پیشرفت باشد؛ باید دید این درآمد چگونه تقسیم می‌شود.... بنابراین پسوند عدالت اینقدر اهمیت دارد.... اساس نگاه اسلامی به پیشرفت، بر پایه این نگاه به انسان است: اسلام انسان را یک موجود دوساحتی می‌داند؛ دارای دنیا و آخرت؛ این پایه همه مطالبی است که در باب پیشرفت باید در نظر گرفته بشود؛ شاخص عمده این است؛ فارق عمده این است. اگر یک تمدنی، یک فرهنگی و یک آئینی، انسان را تک‌ساحتی دانست و خوشبختی انسان را فقط در زندگی مادی دنیائی به حساب آورد، طبعاً پیشرفت در منطق او، با پیشرفت در منطق اسلام - که انسان را دوساحتی می‌داند - به کلی متفاوت خواهد بود.</p>

جستجوی مضامین

پس از تعریف و استخراج کدهای مرتبط با پیشرفت و عدالت، تلاش شد از مسیر تبادل مفهومی و رفت‌وبرگشت بین کدها نسبت‌های فهم‌شده بین عدالت و پیشرفت در اندیشه ایشان و همچنین جایگاه سایر مفاهیم در منظومه پیشرفت و عدالت در قالب مضامینی مانند «همراهی پیشرفت و عدالت»، «هم‌غایتی پیشرفت و عدالت» و «انطباق پیشرفت و عدالت» دسته‌بندی شوند.

جدول ۵: نمونه‌ای از تدوین مضامین سازمان‌دهنده برای پیشرفت عادلانه

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
<ul style="list-style-type: none"> ❖ ضرورت همراهی عدالت با پیشرفت ❖ تعریف عدالت به غایت اصلی پیشرفت ❖ تعریف پیشرفت به آبادانی دنیا و آخرت ❖ معیار توزیعی عدالت در بهره‌مندی‌های مادی 	<ul style="list-style-type: none"> ○ همراهی پیشرفت و عدالت ○ غایت مشترک (هم‌غایتی) پیشرفت و عدالت 	پیشرفت عادلانه

مرور مضامین

با بهره‌گیری از دو معیار هم‌گونی درونی^۱ و عدم هم‌گونی بیرونی^۲ (براون و کلارک، ۲۰۰۶)، مجموعه محورهای فوق به‌عنوان مبنایی مناسب و البته متمایز برای طبقه‌بندی داده‌ها و مضامین اصلی انتخاب شدند. از این‌رو، تلاش شد با مبنا قراردادن محورهای فوق، مضامین، بازآرایی شوند. اصلاح و تکمیل مستمر مضامین تا حدی ادامه پیدا کرد که بتوان گفت این مضامین نشانگر کل داده‌ها و کدهای استخراج‌شده از بیانات رهبر معظم انقلاب هستند.

تعریف و نام‌گذاری مضامین

در این گام، پژوهشگر به دنبال تبیین ماهیت و ابعاد هر مضمون در قالب یک روایت منسجم بوده است (براون و کلارک، ۲۰۰۶)؛ روایتی که در عین تعریف هر دو مفهوم «پیشرفت» و «عدالت» بتواند به سؤال اصلی پژوهش درباره «نسبت پیشرفت و عدالت» و «چگونگی این ارتباط» پاسخ مستدل و مستند بدهد.

تدوین گزارش

نزدیک به ۳۰۰ کد متمایز در قالب ۱۰ مضمون سازمان‌دهنده و ۱ مضمون فراگیر (نسبت پیشرفت و عدالت) در مراحل قبل حاصل شد. در بخش بعد، مجموعه فعالیت‌های انجام‌شده به‌صورت یک روایت منسجم بیان شده است تا خواننده محترم با همراهی بتواند درک کامل‌تری از یافته‌های پژوهش حاضر داشته باشد.

ارزیابی یافته‌های پژوهش

به‌دلیل ماهیت کیفی، غیر عددی و تحلیلی خروجی روش‌های کیفی، ارزیابی نهایی با دشواری‌هایی روبه‌رو است. با این حال، عمده پژوهشگران روش‌شناسی، بر تعیین معیارهایی متناسب برای ارزیابی چنین پژوهش‌هایی تأکید دارند (محمدپور، ۱۳۹۸: ۴۹۵). در حقیقت، ممیزی بر به‌کارگیری و استفاده از سازوکارهایی تأکید دارد که روایی و پایایی تدریجی پژوهش و در نتیجه دقت علمی آن را در طی فرایند وقوع تضمین کند. استفاده درست و متناسب از این استراتژی‌های ممیزی، پژوهشگر را وادار می‌کند جهت تحلیل و گستره بررسی موضوع پژوهش را اصلاح کرده و در نتیجه روایی و پایایی پژوهش به اتمام رسیده را تضمین کند. دکتر دانائی‌فرد در مقاله‌ای به ۶ استراتژی مهم ممیزی پژوهشی اشاره کرده‌اند (دانائی‌فرد، مظفری، ۱۳۸۷). صرف‌نظر از چپستی و گستره هر یک از آن‌ها، پژوهش حاضر ۴ مورد از آنها را در طول فرایند انجام پژوهش، مورد توجه و التزام قرار داده است که به جهت تمایز بهتر در قالب جدول شماره ۶ نمایش داده شده‌اند:

1. Internal Homogeneity

2. External Heterogeneity

جدول ۶: به کارگیری استراتژی‌های ممیزی پژوهش برای اعتباربخشی به پژوهش حاضر

ردیف	راهبردهای منتخب ممیزی پژوهش	مسیر تحقق راهبرد
۱	حساسیت پژوهشگر ^۱	تحلیل و رفت‌وبرگشت مستمر بین دوگان پژوهش (پیشرفت و عدالت)
۲	انسجام روش‌شناسی ^۲	استفاده از روش‌های متناسب برای پاسخ به سؤال پژوهش
۳	گردآوری و تحلیل همزمان داده‌ها	حرکت مستمر بین داده‌ها و تحلیل‌ها
۴	شکل دادن نظریه	تلاش برای دستیابی به یک الگوی منسجم نظری

یافته‌های پژوهشی

ظهور مفهوم «پیشرفت» برای حرکت انقلاب اسلامی

تولد انقلاب اسلامی با مختصات جدید ماهوی و حرکتی خود نوید ادبیات و منطق جدیدی برای حرکت و رشد کشورها را داد. این حرکت برخلاف مفاهیم مرسوم توسعه کشورها جنس و نوع خاصی از بلوغ ملی را تجویز می‌کند و در برابر برخی از پیش‌فرض‌های مرسوم توسعه‌یافتگی قد علم کرده و سینه سپر می‌کند. عقبه این نقشه انقلاب اسلامی از مسیر حرکت را باید در نگاه‌های فلسفه تاریخی آن جستجو کرد. مبتنی بر این تلقی، دو جبهه حق و باطل همیشه در حال درگیری و جنگ با یکدیگر بوده‌اند و این تقابل سابقه‌ای به پهنای تاریخ و حضور انسان بر روی زمین دارد. هدف و غایت اصلی این دو جبهه (فرماندهان و سربازانش) در هر درگیری، غلبه و استیلای فکری و عملی و تغییر قواعد، سبک زندگی و غایت زندگی مطلوب در نگاه اعضای جبهه مقابل است. بنابراین هر مفهوم یا انگاره علی‌رغم شباهت لفظی می‌تواند واجد محتوای حق‌محور یا باطل‌محور باشد. از این‌رو، رهبر معظم انقلاب اسلامی با چنین پیش‌فرض و نیتی از ابتدای زعامت خود به‌طور مرتب واژگان و ادبیات غربی و بین‌المللی را از منظر نگاه و اندیشه دینی و انقلابی ارزیابی کرده و بالاتر از آن به خلق نظام واژگانی مخصوص به انقلاب اسلامی نیز مبادرت کرده‌اند (۱۳۷۱/۰۱/۲۶). مصادیق متعددی چون مردم‌سالاری دینی، جنبش نرم‌افزاری، تهاجم فرهنگی، ناتوی فرهنگی، جنگ نرم، پیشرفت و عدالت و... از همین جنس کنشگری‌ها هستند. بنابراین خلق و تبیین واژه «پیشرفت» توسط ایشان را باید در این چارچوب تحلیل و دنبال کرد.

دریچه ورود به بحث پیشرفت در اندیشه رهبر معظم انقلاب با واژه «تحول» آغاز می‌شود؛ تحولی که به‌عنوان یکی از سنن قطعی الهی و دینی ذکر شده و در مقابل رکود، رخوت و ایستایی قرار داده می‌شود. این سنت در همه اجزای نظام تکوین وجود دارد و طبیعتاً در نظام حیات اجتماعی انسان نیز مهم و راهگشاست (۱۳۸۵/۰۸/۱۸). اما مهم‌تر از پذیرش و نفس تحول، چرایی و جهت تحول است. اساساً شاید هیچ نظام حاکمیتی با تحول و تغییر مخالف نباشد و خود را در صف تحول‌خواهان قرار دهد، اما در موقف، مفاهیمی مانند تحول - یا هر مفهوم نظری دیگر - جهت‌گیری و سمت‌وسو اهمیت پیدا می‌کند. در واقع، سؤال «تحول در چه؟» بسیار مهم‌تر و جلوتر از «چرا تحول؟» خودنمایی می‌کند.

در اندیشه ایشان، «پیشرفت» به‌عنوان مسیر و غایت هر «تحول» تعریف می‌شود؛ مفهومی که خود نیازمند ترسیم مختصات و ابعادش هستیم. در این نگاه، پیشرفت و تحول دو وجه دارند: «وجه ثابت» و «وجه متغیر». وجه ثابت هر تحول و پیشرفتی حفظ هویت و اصالت ملی است. مصادیق هر هویت و اصالت ملی را باید در مجموعه فرهنگ‌ها، آداب، رسوم، باورها، خواسته‌ها و آرزوهای یک کشور جستجو کرد. در معنایی دقیق‌تر، آرمان‌ها و اصول یک ملت همان هویت او خواهند بود (۱۳۸۵/۰۸/۱۸). در سمت وجه متغیر، مجموعه‌ای از اهداف مثبت برای هر حکومت - مانند مبارزه با تبعیض، مبارزه با فقر، انضباط اجتماعی، مبارزه با جهل، رشد اخلاق و عزت ملی، رشد

1. Investigator responsiveness

2. Methodological coherence

اقتدار ملی، رشد ثروت ملی، سلامت جسمی و روحی، ارتقای معنویت، رشد امنیت، گسترش مرزهای علم، روابط اجتماعی سالم و گسترده، برخورداری از آزادی در اشکال گوناگون و... را می‌توان بر شمرده (۱۳۸۵/۰۸/۱۸).

در اندیشه رهبر معظم انقلاب، الزامات یک تحول و پیشرفت چند چیز است:

- عدم تقابل و در عوض استقبال از پیشرفت و تحول؛
 - لزوم مدیریت تحول و پیشرفت؛
 - لحاظ پیشرفت به‌عنوان غایت و جهت درست تحول؛
 - پایه‌ریزی معیارهای صحیح برای تمایزبخشی پیشرفت صحیح از مسیرهای مرسوم پیشرفت و توسعه (۱۳۸۵/۰۸/۱۸).
- با همین عناصر، رهبر معظم انقلاب اسلامی، تمایزها و اشتراکات دو مفهوم «پیشرفت» از «توسعه» را برشمرده‌اند:
- شکل ۳: مشابهت و تفاوت مفهوم «پیشرفت» و «توسعه» در دیدگاه رهبر معظم انقلاب

تفاوت‌ها	شبهات‌ها
<p>*پیشرفت برای همه کشورها و همه جوامع عالم، یک الگوی واحد ندارد. پیشرفت یک معنای مطلق ندارد؛ شرایط گوناگون - شرایط تاریخی، شرایط جغرافیایی، شرایط جغرافیای سیاسی، شرایط طبیعی، شرایط انسانی و شرایط زمانی و مکانی - در ایجاد مدل‌های پیشرفت، اثر می‌گذارد.</p> <p>**مبانی معرفتی، فلسفی و اخلاقی در نوع پیشرفت مطلوب یا نامطلوب تأثیر دارد. مبانی معرفتی ما به ما می‌گوید که این پیشرفت مشروع است یا نامشروع؛ مطلوب است یا نامطلوب؛ عادلانه است یا غیرعادلانه.</p>	<p>ویژگی‌های مشترک جوامعی که پیشرفت می‌کنند یا پیشرفت کرده‌اند:</p> <p>روح خطرپذیری، روح ابتکار، اقدام و انضباط</p>

عدالت، رکن معنابخش و مقوم پیشرفت

در کنار بیان نقاط اشتراک و افتراق پیشرفت با توسعه، رهبر معظم انقلاب به یک نقطه تمایز مهم و ماهوی برای پیشرفت اشاره می‌کنند: «عدالت». اگرچه انقلاب اسلامی همانند اکثر کشورهای به‌اصطلاح پیشرفته به‌دنبال حرکت و رشد در همه جهات (علمی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فناوری) است، اما نحوه توزیع و دسترسی امکانات مادی و معنوی تولیدشده برای او مهم است. از این رو، پیشرفت را با عدالت می‌خواهد. نه عدالت بدون پیشرفت مطلوب است و نه پیشرفت بدون عدالت؛ چراکه اولی نوعی از برابری در فقر را ایجاد می‌کند و دومی دستاوردها، امتیازات و امکانات را در نقاط و محل‌ها و دست‌های خاصی تجمع می‌بخشد. همراهی این دو با یکدیگر، در واقع نقض و تقابل با مجموعه عظیمی از نسخه‌های غربی یا شرقی برای توسعه کشورها در طول قرون گذشته است. نسخه‌های شرقی در بطن خود نوعی برابری اجباری و مساوات همگانی در همه‌چیز را تجویز می‌کنند و به اختلاف توانمندی‌ها، کارایی‌ها، خروجی‌ها و شایستگی‌ها بها نمی‌دهند و نسخه‌های غربی نیز سرمایه را اصل و همه‌چیز را در خدمت آن دانسته و اصالت را با تولید سرمایه هرچه بیشتر می‌دانند و نحوه توزیع آن را یا برنمی‌تابند یا در اولویت‌های بعدی قرار می‌دهند (۱۳۸۷/۰۲/۱۴).

فهم و صورت‌بندی عمیق‌تری از نسبت پیشرفت و عدالت

صورت‌بندی اولیه بیانات رهبر معظم انقلاب از نسبت بین عدالت و پیشرفت نشان از نوعی ارتباط وثیق بین این دو دارد، به‌شکلی که جمهوری اسلامی در مسیر حرکت و رشد خود یکی را بدون دیگری نمی‌خواهد. دلالت اولیه چنین تقریری نشانگر آن است که پیشرفت یک مفهوم و انگاره جداگانه از عدالت است. بنابراین اگرچه هر یک به‌تنهایی می‌توانند معنادار باشند و در نظام برنامه‌ریزی ملی دنبال شوند، اما انقلاب اسلامی به‌دنبال همراهی این دو و توجه هم‌زمان به آن‌ها در خط‌مشی‌گذاری و اجرا است. اما با نگاهی به خود رهبر معظم انقلاب می‌توان لایه جدیدی از نسبت بین این دو به‌دست آورد. در نگاه ایشان، هر نوع حرکت به سمت آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی و تلاش برای تحقق آن‌ها تولیدکننده پیشرفت حقیقی برای کشور است. از سوی دیگر، به‌تصریح ایشان، عدالت یکی از مهم‌ترین آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی است. این آرمان نه‌تنها از نگاه انقلاب اسلامی بلکه در اندیشه دینی هدف والای ارسال رسل و انزال کتب، بیان شده است. همچنین در منظومه ارزشی دینی، عدالت تنها ارزش مطلق اجتماعی بوده و سایر ارزش‌های دیگر باید با آن سنجیده شود (۱۳۹۰/۰۲/۲۷).

جمع بین گزاره‌های قبل، آن خواهد بود که عدالت در عین آن که خود دستاورد و جزئی از الگوی کلان پیشرفت است، اما این ارزش در ذات هر نوع پیشرفتی وجود دارد (۱۳۸۹/۰۹/۱۰)؛ چراکه هر نوع سبک و الگوی پیشرفتی در واقع انتخاب و تجویز یک حکومت برای پیمودن و رشد در مسیری خاص است. این تجویز و مسیر در حقیقت مبتنی بر تلقی خاص - خواه آشکار باشد و خواه ضمنی و پنهان - از مفهوم عدالت است. نتیجه آن که هر تعریف و الگویی از عدالت، نوع خاصی از رشد و پیشرفت را درست و موجه می‌داند و در عوض سایر انواع پیشرفت یا توسعه را ناموجه، ناعادلانه، ظالمانه و نادرست معرفی می‌کند (۱۳۹۰/۰۲/۲۷).

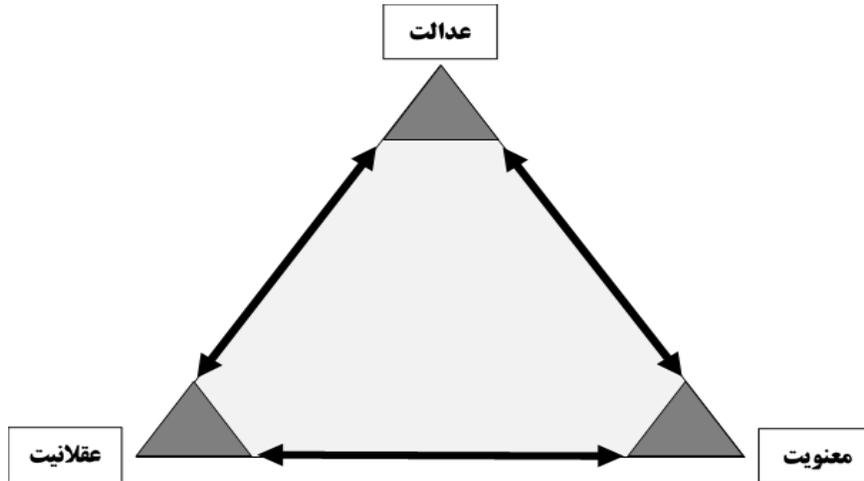
این لایه از بحث، دوگانگی ظاهری بین مفهوم پیشرفت و عدالت را به سمت نوعی یگانگی باطنی سوق می‌دهد. در واقع، هر نوع تلقی از رشد و پیشرفت، با خود تعریفی از درستی و عادلانه بودن را همراه دارد و در واقع هر پیشرفتی در باطن خود تعریفی از عدالت را اتخاذ کرده است. بنابراین این که اول پیشرفت می‌کنیم و بعد عدالت را دخالت می‌دهیم یا آن که در مسیر پیشرفت، عدالت را لحاظ می‌کنیم، امری محال است. در همان لحظه‌ای که رهبر، خط‌مشی‌گذار، مدیر یا مجری مشغول تدوین برنامه یا الگویی از پیشرفت است، در واقع مشغول استفاده از نظریه عدالت‌مختار خود نیز هست؛ چراکه هر کس آن پیشرفتی را درست می‌داند که در ذهنش به عادلانه بودن آن اذعان دارد. بنابراین هر نوع پیشرفتی، جنس و نوعی از عدالت را در خود دارد و در عوض هر نوع تعریفی از عدالت، سبک و الگوی خاصی از پیشرفت را پیشنهاد می‌کند.

چارچوب پیشرفت عادلانه

دلالت مهم نسبت‌یابی فوق از پیشرفت و عدالت آن است که یکی از مسیرهای دستیابی به چارچوب پیشرفت، از دل تعیین مختصات و چارچوب عدالت از منظر دینی و انقلابی است. بنابراین پی‌جویی ابعاد عدالت اجتماعی در اندیشه رهبر معظم انقلاب نقطه عزمیت ما برای دستیابی به چارچوب پیشرفت عادلانه محسوب می‌شود.

منطق ما از محوریت قرار گرفتن اندیشه رهبر معظم انقلاب برای فهم چنین چارچوبی، «کشف و تبیین منطق عملی مجتهد جامع‌الشرایط در مواجهه با مسائل معاصر از منظر حکومتی و کلان» است. این منطق، ترسیم‌کننده مواجهه خود رهبران نظام با مسائل انقلاب و زاویه تحلیل آن‌ها است و دلالت‌های روشنی برای نظام خط‌مشی‌گذاری ملی و خط‌مشی‌گذاران در ارائه راه‌حل‌های متناسب برای انقلاب اسلامی خواهد داشت. پیشرفت را حرکت برای تحقق بسته‌ای از اهداف و غایات دینی - انقلابی از نگاه رهبر معظم انقلاب تعریف کردیم. مجموعه این غایات در نگاه ایشان با عنوان «اسلام ناب» معرفی شده است. تکرار این بسته‌بندی و شرح‌و‌بسط آن، دلالتی حد‌اکثری بر مقام بیان بودن معظم‌له برای ارائه نقطه‌نظر ایشان دارد.

شکل ۴: سه‌گان «معنویت، عقلانیت، عدالت»



این چارچوب فکری در قالب سه‌گانی با نام «معنویت، عقلانیت، عدالت» ارائه شده است (۱۳۸۸/۰۷/۰۲). سه‌گانه فوق علاوه بر عنوان «اسلام ناب»، در بیانات رهبر معظم انقلاب با عنوان «مکتب امام» هم قابل ره‌گیری و بررسی است (۱۳۹۰/۰۳/۱۴). پیرامون سه‌گانه «معنویت، عقلانیت، عدالت» در ایشان پژوهش تفصیلی انجام شده است.^۱

مساوق با آن‌چه که از منطق اسلام ناب به‌عنوان پیشرفت حقیقی و عادلانه در اندیشه رهبر معظم انقلاب صحبت کردیم، می‌توان اجزای الگوی تحقق این پیشرفت را با صراحت و دقت بیشتری در بیانات ایشان دنبال کرد. اولین جلسه اندیشه‌های راهبردی با موضوع «الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت» به تبیین ابعاد این الگوی پیشرفت از نگاه رهبر معظم انقلاب اختصاص دارد. ایشان الگوی مذکور را واجد ۴ عنصر اصلی «تفکر»، «علم»، «زندگی» و «معنویت» می‌دانند (۱۳۸۹/۰۹/۱۰).

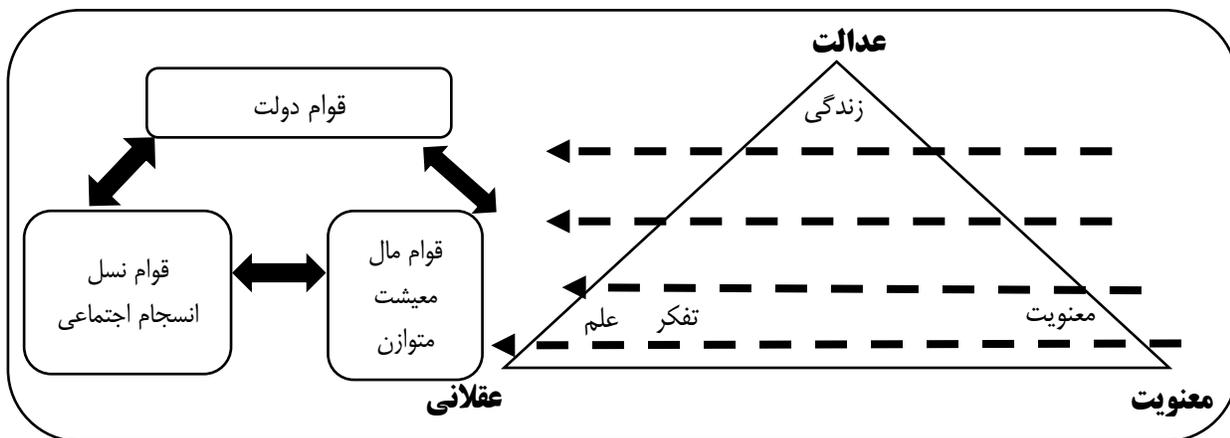
بررسی بیشتر این اجزا با منطق اصلی معرفی‌شده در بخش قبل- سه‌گانه معنویت، عقلانیت و عدالت- نشانگر آن است که عملاً می‌توان این دو چارچوب را یکی در نظر گرفت: معنویت، واژه مشترک این دو چارچوب است. تفکر و علم، همان عقلانیت در دستگاه محاسبات دینی است. عدالت نیز سامان زندگی و نظام اجتماعی است.

سؤال اصلی آن است که با رعایت و التزام به چنین مدلی، انقلاب اسلامی چه سبک و جنسی از جامعه مطلوب را باید تولید کند؟ در واقع، این مسیر پیشرفت به کدام غایت ختم می‌شود؟ شاید در پاسخی اولیه گفته شود که گسترش و تقویت تفکر، علم و سبک زندگی، خود غایت نیز هستند؛ این نکته تا حدی درست است اما همچنان شکل‌وریکت جامعه پس از گسترش این عناصر، محل سؤال است.

^۱ . برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: سجادی، علیرضا (۱۴۰۲). ترسیم مختصات الگوی مفهومی تجویز خط‌مشی‌های ملی بر پایه «معنویت، عقلانیت و عدالت». فصلنامه مدیریت اسلامی. دوره ۳۱، شماره ۲.

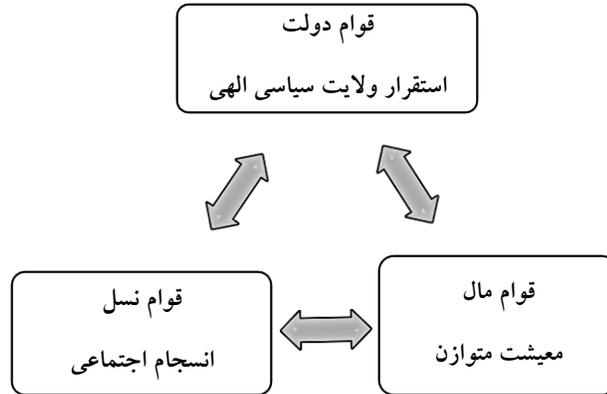
غایت پیشرفت عادلانه

مطابق با آنچه که از بیانات رهبر معظم انقلاب فهم و تبیین شد، عدالت اجتماعی به معنای زمینه‌سازی نوع خاصی از زندگی سالم و بدون مانع برای شکوفایی استعدادها است. همچنین، این زندگی اجزای مختلف و ارزش‌های متعددی چون آزادی، رفاه، امنیت و... نیز دارد. بنابراین عدالت اجتماعی به دنبال شکل دادن به سبک خاصی از زندگی و حیات اجتماعی انسان است. به‌طور کلی و با رویکردی منطقی- عقلایی، ابعاد هر حیات اجتماعی را می‌توان در ۳ بُعد خلاصه کرد: تعاملات اجتماعی، تبادلات اقتصادی و حکومت. نگاهی به جوامع و فرهنگ‌های مختلف در طول قرون متمادی نشانگر آن بوده است که اساس زندگی انسانی بر این ۳ پایه استوار شده است.



شکل ۵: نظام مفهومی پیشرفت عادلانه (نسبت پیشرفت و عدالت)

تعاملات اجتماعی در اینجا به معنای هر نوع رابطه نسبی- سببی است که افراد با یکدیگر پیدا می‌کنند. تبادلات اقتصادی نیز در اینجا نشانگر مجموعه دادوستدهای انجام‌شده بین انسان‌ها برای رفع نیازهای معیشتی متنوع خود یا دیگران- غذا، مسکن، پوشاک، سلامت، آموزش و... - است. حکومت نیز در اینجا به معنای قوه یا قدرتی است که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به تمشیت و تدبیر امورات فردی و اجتماعی انسان‌ها یا تقویت و تضعیف دو پایه تعاملات اجتماعی و تبادلات اقتصادی مشغول است. در ادبیات مرسوم بین‌المللی این ۳ بعد را با عناوینی چون «انسجام اجتماعی»، «ثروت» و «قدرت» معرفی و تحلیل می‌کنند. از آنجایی که عدالت ناظر به همه ارکان اجتماعی حیات انسان تعریف می‌شود، بنابراین در نسبت با این ۳ بعد اصلی باید تعریف شود. جریان و ضرب عدالت در عناصر مذکور با خود شکل و نوع خاصی از حکومت، تعاملات اجتماعی و تبادلات اقتصادی را می‌سازند (سرآبادانی و همکاران، ۱۳۹۹؛ سجادیه و همکاران، ۱۴۰۳).



شکل ۶: ابعاد عدالت اجتماعی در حیات اجتماعی انسان (زندگی عادلانه)

هریک از این ارکان در ادبیات دینی غایب و منطق خاص خود را داشته که در بطن هریک نیز ابعاد دیگر لحاظ شده است. از این رو، باید غایت هر بعد را به‌طور جزئی‌تر مورد بررسی و کنکاش قرار داد (سرآبادانی و همکاران، ۱۳۹۹؛ سجادیه و همکاران، ۱۴۰۳):

- قوام دولت:** در نگاه اسلامی، تحقق و اقامه ارزش‌ها از مسیر حاکمیت اراده خداوند بر هر جامعه به‌وجود می‌آید. این حاکمیت در تجلی بیرونی خود استقرار «امامت عدل» در همه شئون جامعه است؛ یعنی حاکمیت و حکومتی در جامعه تشکیل شود که اولاً در رأس آن امام عادل و مأذونی از سوی خداوند متعال قرار داشته باشد، و ثانیاً او با توجه به ظرفیت جامعه به‌تدریج احکام و شرایع خداوند را در همه امور حیات انسانی مشخص و محقق کند. در واقع، علم به نظام عادلانه و عزم اقامه آن در سطح جامعه و با پشتیبانی و حضور پررنگ مردم (الناس) جوهره قوام دولت را تشکیل می‌دهد. به‌شکل سلبی نیز چنین حکومتی باید با دشمنان عدالت در هر طبقه، رنگ و سطحی (داخلی - خارجی) مقابله کند. نکته مهم آن است که رابطه مردم با این حکومت تنها به‌شکل مکانیکی و دولت-شهروندی نیست، بلکه شکلی زنده و پویا و از سنخ رابطه قلبی و تبعیت مردم از امام و ولی جامعه است. این رابطه، کاملاً دوطرفه و مبتنی بر حقوق و تکالیف متقابل ساخته شده است.
- قوام نسل:** سلول‌های بنیادین هر جامعه انسان‌هایی هستند که حقیقت هر اجتماع را شکل می‌دهند. خلق، رشدونمو، تربیت، هدایت و نقش‌پذیری این سلول‌ها در کانون‌ها و بسترهای مشخص و لایه‌لایه صورت می‌گیرد. پایه‌ای‌ترین این لایه‌ها، «خانواده» است. از این رو است که غایت عدالت اجتماعی در بعد قوام نسل، سلامت و استمرار نسل در پرتو محیط و روابط اجتماعی سالم و مساعد است. در حقیقت به‌وجود آمدن نسل سالم و استمرار آن تحت لوای تحکیم روابط اجتماعی - نسبی یا سببی - هدف عدالت اجتماعی محسوب می‌شود. از این رو، پاسداشت و تقویت روزافزون نهادهایی چون خانواده، اقوام، همسایه، سازمان‌ها و گروه‌های اجتماعی، ملیت، امت و جامعه انسانی از نگاه دینی اهمیت بسیار زیادی دارد.
- قوام مال:** معیشت هر فرد و خانواده یکی از مهم‌ترین اجزای حیات او محسوب می‌شود؛ از این رو، تأمین معیشت متناسب و متوازن برای آحاد جامعه وظیفه هر حکومت است. در اندیشه دینی، غایت قوام مال در هر جامعه، حفظ، رشد و توزیع آن برای کل جامعه است. بنابراین، استفاده و رشدونمو آن در پرتو یک فکر کارآمد و توزیع متوازن آن واجد اهمیت است. از این منظر، نهی خداوند متعال از در اختیار قرار دادن اموال در دست سفها - چه در مقام فردی و چه در مقام اجتماعی - دقیق‌تر فهم می‌شود؛ چراکه مال

به‌عنوان یکی از اجزای قوام و قیام هر جامعه معرفی شده است^۱. در چنین شرایطی، اندیشه اسلامی نه مانند نگاه‌های کمونیستی به‌دنبال برابری و مساوات در درآمد و معیشت، و نه مانند نگاه‌های لیبرال طرفدار سرمایه‌داری افراطی و کنزگونه است؛ بلکه تعریف عدالت اجتماعی در حوزه مال - اقتصاد - را «توازن در معیشت» می‌داند. سوبه و ابزار مهم رقم خوردن چنین توازنی در «نظام توزیعی» هر جامعه است. بر مبنای نظریه اسلامی توزیع، کار، معیار اولیه، اصلی و مهم کسب معیشت متناسب و پایدار برای هر فرد است. در واقع، هر انسان مسلمان در بستر یک تقویم پولی مناسب و عادلانه از انواع مشاغل، باید بتواند با کار خود، معیشت و زندگی اولیه خود را تأمین کند. شکاف عمیق در قیمت‌گذاری مشاغل در عمل نوعی شکاف عمیق درآمدی در سطح محلی و ملی را رقم‌زده، توازن معیشتی را خدشه‌دار کرده و ظلم محسوب می‌شود. در صورت عدم امکان توانایی یا قابلیت کار، دولت و حکومت اسلامی موظف است نیازهای افراد خود را در سطح متناسب - عفاف و کفاف - تأمین کند. البته این تأمین صرفاً دولتی نیست بلکه در نگاه اقتصاد اسلامی در وهله اول باید از مسیر تکافل عمومی - اقربا یا عامه مردم - نیاز سایر افراد جامعه تأمین شود و در لایه دوم، حکومت با ابزار تأمین اجتماعی، نیازهای آحاد جامعه را در سطحی اولیه تحقق ببخشد.

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی فعالیت‌ها و پژوهش‌های گذشته نشانگر این بود که اولاً تبیین کامل و تفصیلی پیرامون رابطه بین پیشرفت و عدالت انجام نشده است و ثانیاً رویکردهایی که پیشرفت و عدالت را ممزوج با یکدیگر تعریف کرده‌اند همچنان در تعریف و صورت‌بندی دقیق ابعاد آن‌ها پیشروی نظری نکرده‌اند.

در یک بررسی اجمالی می‌توان گفت که نسبت‌یابی بین این دو کلان‌مفهوم در ادبیات به شکل زیر است:

- پیشرفت و عدالت دو مفهوم مجزا از یکدیگر هستند اما باید در کنار هرگونه پیشرفت به عدالت نیز توجه کرد (افجه و جعفرپور، ۱۳۹۱؛ صدرا، ۱۳۸۹).
- عدالت اجتماعی، مقدم بر توسعه اقتصادی است (عزتی، ۱۳۹۷).
- نظریه اسلامی پیشرفت، نیازمند نظریه اسلامی عدالت نیز هست (رفیعی آتانی، ۱۳۹۱).
- عدالت، تعیین‌کننده توسعه یا پیشرفت مطلوب است (شفیعی و زاهدی، ۱۳۹۳).
- عدالت و پیشرفت هم‌راستا با یکدیگر و دو مقوله به‌هم‌پیوسته هستند (ایزدی، ۱۴۰۱؛ صدرا، ۱۳۸۹؛ مردانی، ۱۳۹۰؛ میرباقری، ۱۳۹۲).
- عدالت و پیشرفت هر دو الفاظی برای تعیین بایستگی، خوب بودن، درست بودن و شایسته بودن امور هستند (موحدی، ۱۳۹۸).

در عین آن‌که نتیجه‌گیری پژوهش حاضر شبیه و نزدیک به نتایج سوم، چهارم و پنجم است اما فراتر از آن‌ها است. همان‌گونه که نشان داده شد، این دو مفهوم در اندیشه مقام معظم رهبری دو روی یک سکه هستند؛ انتخاب هر نوع پیشرفت در بطن خود انتخابی از عدالت را با خود دارد. بنابراین به حیث صوری و شکلی، خروجی مقاله حاضر را باید مشابه اما تفصیلی‌تر و دقیق‌تر از نتایج پژوهش‌های پیشین دانست.

^۱ . وَلَا تَوْتُوا السُّغْفَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَاَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا - سوره مبارکه نساء، آیه ۵

همچنین در خود این نسبت‌یابی نیز دلالت مهم دیگری نهفته است: نظریه پیشرفت مطلوب همان نظریه عدالت مطلوب است. بنابراین اگر نظام حاکمیتی ما موظف به تدوین و اجرای الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت شده است- بر این مبنا- باید صورت‌بندی نظریه عدالت اجتماعی خود را تنقیح کند. از این‌رو، نسبت مفهوم عدالت با اجزای پیشرفت در اندیشه معظم‌له مهم خواهد بود. ارائه چارچوب نظریه عدالت اجتماعی- براساس نسبت‌یابی قبلی- نقطه ثقل و خلأ جدی پژوهش‌های پیشین است؛ جایی که صرفاً پژوهش‌ها به گزاره‌های اولیه بسنده کرده و ورود تفصیلی و جدی پیدا نکرده‌اند. به‌جز بیان «نظریه عدالت ولایی» در مقاله آقای دکتر زریباف (۱۳۹۲)، دیگر منابع فاقد چنین امتدادی هستند.

صورت‌بندی نظری معرفی شده که به‌شکلی حد‌اکثری منبعث و متأثر از اندیشه‌های ایشان است ویژگی‌ها و ظرفیت‌هایی برای پیگیری بیشتر خواهد داشت:

- موضوع و متعلق عدالت اجتماعی را در جامعه‌سازی می‌بیند و آن را از محدوده فردی خارج می‌کند.
 - جامعه‌سازی شامل هر نوع مداخله و ساخت جامعه برای ظهور کمالات انسانی خواهد بود (تعریف قسط از نگاه ایشان^۱).
 - امکان ورودهای مجزا به هر حوزه یا عرصه خطامشی‌گذاری به‌شکل متمایز- در عین بافت کلان منسجم- فراهم می‌شود.
 - دوگانه‌سازی و چالش‌های نظری بین «پیشرفت» و «عدالت» را منحل می‌کند.
- در چنین فضایی همچنان ورود و نفوذ دادن نظریه عدالت اجتماعی به هر موضوع و تلاش برای تدوین مسیر پیشرفت مبتنی بر آن، از جمله سرخط‌های لازم و نیازمند امتداد در پژوهش‌های متنوع است.

سؤال از مختصات الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت در دهه گذشته که به نام «دهه پیشرفت و عدالت» نام گرفته بود همواره جزو دغدغه‌های اندیشمندان و برخی از مجریان کشور بوده است. اگرچه اسنادی توسط نهادهای مسئول یا به‌صورت خودجوش در این زمینه تولید شده است اما به نظر می‌رسد همچنان نقطه کانونی ضعف آن‌ها در نسبت‌یابی و تعریف درست دو مفهوم اصلی «پیشرفت و عدالت» است. سابقه پژوهش‌های قبلی نیز نشانگر آن بود که اگرچه برخی به هم‌راستایی یا به نوعی تطابق این دو مفهوم تفتن داشته و حتی آن را تبیین کرده‌اند اما همچنان روایتی از درون اندیشه واضح اصلی و حقیقی این عبارت برای دهه چهارم حرکت انقلاب اسلامی در دسترس نبود.

از این‌رو، پژوهش حاضر با بازخوانی میراث ادبیات توسعه و تلاش‌های ملی جهت تعریف رابطه پیشرفت و عدالت و با تکیه بر اندیشه رهبر معظم انقلاب و بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون تلاش کرد تا روایت و صورت‌بندی نظری درست و متلائمی از دو مفهوم مذکور ارائه کند.

در پاسخ به سؤال «جایگاه و نقش عدالت در مسیر پیشرفت ملی چیست؟» با تحلیل اندیشه رهبر معظم انقلاب، اولاً به‌جای «پیشرفت و عدالت» از عبارت دقیق‌تر «پیشرفت عادلانه» برای طراحی نظام مفهومی خود استفاده شد؛ ثانیاً یک نظام دولایه‌ای در این زمینه به‌دست آمد: لایه اول این نظام- سه‌گانه «معنویت، عقلانیت و عدالت»- جهت حاکم بر پیشرفت عادلانه را مشخص می‌کند که بیانی دیگر از چهارگانه «تفکر، علم، زندگی و معنویت» در اندیشه رهبر معظم انقلاب است. در لایه دوم نیز عدالت به‌عنوان مؤلفه اصلی جامعه‌سازی در سه‌گانه «قوام دولت، قوام نسل و قوام مال» به‌عنوان غایات اصلی پیشرفت عادلانه تبیین شده است. مبتنی بر نظام

^۱ . برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن. تهران: صهبا.

مفهومی حاضر، پیشرفت و عدالت نوعی انطباق و همپوشانی کامل با یکدیگر داشته و اساساً پیشرفت حقیقی و واقعی را باید در پی جویی عدالت و تحقق آن جستجو کرد. از این رو، ابعاد، معیارها و اصول عدالت اجتماعی محور هر نوع پیشرفت خواهند بود. سؤالات و محورهایی چون «معیارها و سنجش‌های پیشرفت عادلانه»، «نسبت عینیت و ذهنیت در پیشرفت عادلانه» و همچنین «ابعاد و افزای‌های پیشرفت عادلانه» می‌توانند به‌عنوان دستور کارهای پژوهشی بعدی و مهم، مدنظر پژوهشگران علاقمند در این عرصه باشد.

حمایت مالی

نویسندگان این مقاله هیچ‌گونه حمایت مالی برای انجام پژوهش، نگارش یا انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

سپاسگزاری

نویسندگان از داوران ناشناس مقاله که با پیشنهاد‌های خود به بهبود کیفیت آن کمک کردند، قدردانی می‌کنند. شایان ذکر است مسئولیت محتوای این مقاله به‌طور کامل بر عهده نویسندگان است.

تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که در ارتباط با این مقاله، هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

مآخذ

- از کیا، مصطفی (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران: نشر کلمه.
- افجه، سیدعلی اکبر؛ جعفرپور، محمود (۱۳۹۱). نسبت‌شناسی «الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت» و «عدالت» با تأکید بر عدالت سازمانی. *مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی* (۱)، ۲۵۶-۲۶۳.
- انتظامی، حسین (۱۴۰۳). *توسعه، چگونه؟ مسئله‌شناسی برنامه‌ریزی توسعه در ایران*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- اکبری، نعمت‌الله (۱۳۷۸). *مباحثی از توسعه در ایران*، اصفهان: نشر هشت بهشت.
- امامی، سیدمجتبی (۱۳۹۸). تأملی در چیستی «الگو» در الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت: مذاقه‌هایی از منظر خط‌مشی‌گذاری عمومی. *فصلنامه مطالعات مدیریت دولتی در ایران*، ۲ (۱)، ۱-۲۳.
- امامی، سیدمجتبی؛ بنافی، مسعود؛ و سجادی، علیرضا (۱۳۸۹). *تحلیلی انتقادی بر به‌کارگیری شاخص‌های مرسوم جهانی توسعه، پژوهشنامه اقتصاد و برنامه‌ریزی*، ۱۵ (۱)، ۱۳۵-۱۹۰.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی توسعه: اصول و نظریه‌ها*، تهران: علم.
- آقاسی‌زاده، فتح‌الله؛ و غلامی‌نتاج‌امیری، سعید (۱۳۹۹). *هفتاد سال برنامه‌ریزی توسعه در ایران: آسیب‌ها و چالش‌ها*. تهران: مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری سازمان برنامه و بودجه کشور.
- ایزدی، حسین (۱۴۰۱). عدالت و توسعه اجتماعی. *توسعه اجتماعی*، ۱۶ (۴)، ۱۸۱-۲۲۵.
- آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۶۸-۱۴۰۴). *بیانات*. تهران: دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای قابل دسترسی در آدرس: <http://farsi.khamenei.ir/speech>
- پورعزت، علی‌اصغر؛ و سعدآبادی، علی‌اصغر (۱۳۹۱). ویژگی‌های پیشرفت و تعالی در پرتو رهنمودهای امام علی علیه السلام. *دو فصلنامه مدیریت اسلامی*، ۲۰ (۱): ۳۸-۹.
- جمعی از پژوهشگران (۱۳۹۲). *توزیع متعادل فرصت‌ها و درآمدها*. تهران: مؤسسه پژوهشی مبانی و مدل‌های اقتصادی بومی.

- حدادی، علیرضا؛ و دادگستر، سیدمحمد رضا (۱۴۰۰). *معیار اجتماعی تفکیک مکاتب توسعه*. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- دانایی‌فرد، حسن؛ و مظفری، زینب (۱۳۸۷). ارتقای رویی و پایایی در پژوهش‌های کیفی مدیریتی: تأملی بر استراتژی‌های ممیزی پژوهشی. *پژوهش‌های مدیریت عمومی*. ۱(۱)، ۱۳۱-۱۶۲.
- دیرباز، عسگر؛ و دادگر، حسن (۱۳۸۰). *نگاهی به اسلام و توسعه پایدار*. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- رفیعی آتانی، عطاالله (۱۳۹۱). پیشرفت به مثابه عدالت (براساس تبیین انسان‌شناختی). *اقتصاد اسلامی*، ۱۲(۴۷): ۷۷-۱۰۲.
- زاهدی، محمدجواد (۱۳۸۲). *توسعه و نابرابری*. تهران: مازیار.
- زریباف، سیدمهدی (۱۳۸۶). نظری بر اندیشه توسعه عدالت‌محور. *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*. ۱۵(۴۱ و ۴۲): ۳۶-۶۷.
- زریباف، سیدمهدی (۱۳۹۲). مبانی، سیر تدوین، مدل مفهومی و الزامات تدوین «الگوی اسلامی- ایرانی» پیشرفت. *مطالعات اقتصاد اسلامی*. ۱۰(۱)، ۱۲۷-۱۵۶.
- سرآبادانی، حسین؛ تراب‌زاده، محمدصادق؛ سجادی، علیرضا؛ و مصطفوی ثانی، علی (۱۳۹۹). *نظریه اسلامی عدالت اجتماعی؛ تقریری از منظر متفکران دینی معاصر*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- سجادی، علیرضا؛ تراب‌زاده جهرمی، محمدصادق؛ سرآبادانی تفرشی، حسین؛ و مصطفوی ثانی، علی (۱۴۰۲). درآمدی بر نظریه اسلامی عدالت اجتماعی: رویکردی مبتنی بر اندیشه شش متفکر دینی معاصر. *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*. ۱۳(۴۹): ۱۴۵-۱۶۸.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۰). *عقلانیت و آینده توسعه‌یافتگی ایران*. تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- سمیعی‌نسب، مصطفی؛ و مقصودی، حمیدرضا (۱۳۸۵). *مروری بر نظریه‌های توسعه اقتصادی در نیم‌قرن اخیر*. در معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی ریاست جمهوری و مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع)، *تبیین و تنظیم مبانی نظری پیشرفت و عدالت در برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت دولتی.
- شفیعی، حسن؛ و زاهدی، بهرام (۱۳۹۳). استخراج ویژگی‌های توسعه مطلوب از دیدگاه امام خمینی (ره) بر مبنای تعریف عدالت نزد ایشان. *علوم سیاسی (دانشگاه کرج)*. ۱۰(۲۸): ۶۵-۹۶.
- صدرا، علیرضا (۱۳۸۹). رابطه و نسبت عدالت و پیشرفت در دولت اسلامی. *دو فصلنامه معرفت سیاسی*، ۲(۱)، ۸۳-۱۰۰.
- عزتی، مرتضی (۱۳۹۷). توسعه و عدالت از دیدگاه امام خمینی (ره). *دومین کنگره اندیشه‌های اقتصادی حضرت امام خمینی (ره)*. دانشگاه تربیت مدرس.
- عبری، موسی (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی توسعه؛ از اقتصاد تا فرهنگ*. تهران: سمت.
- غفرانی، حسین؛ فتح‌زاده، امیرعباس؛ مالی، یاسر؛ مؤمنی، فرشاد؛ و واعظ مهدوی، محمد رضا (۱۳۸۲). *گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۳؛ اهداف توسعه هزاره: پیمانی میان ملت‌ها برای پایان دادن به فقر*. تهران: مؤسسه فرهنگی ابن‌سینای بزرگ.
- لک‌زایی، صدیقه؛ بزرگر، ابراهیم (۱۳۹۵). پیشرفت متعالی در جمهوری اسلامی بر مبنای حکمت و سیاست متعالیه. *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، ۲۱(۶)، ۸۷-۱۰۶.
- متوسلی، محمود (۱۳۸۲). *توسعه اقتصادی؛ مفاهیم، مبانی نظری- رویکرد نهادگرایی و روش‌شناسی*. تهران: سمت.
- مردانی نوکنده، محمدحسین (۱۳۹۰). مفهوم و ماهیت پیشرفت با رویکرد اسلامی- ایرانی. *راهبرد یاس*. شماره ۲۵، ۱۹۶-۲۱۵.
- منصورنژاد، محمد. زمانی؛ محبوب، حبیب (۱۳۹۲). نسبت توسعه و عدالت در سه گفتمان لیبرالیسم، سوسیالیسم و اسلام. *پژوهش‌های سیاست اسلامی*، ۱(۱): ۷۶-۱۰۹.
- موحدی بک‌نظر. مهدی (۱۳۹۸). نسبت‌یابی عدالت و پیشرفت. *نشریه تخصصی عدالت اجتماعی*. شماره ۳، ۹۴-۹۸.
- مولانا، حمید (۱۳۷۱). *گذر از نوگرایی*. ترجمه یونس شکرخواه. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- میرباقری، سیدمهدی (۱۳۹۲). *پژوهشی پیرامون رابطه عدالت و پیشرفت*. قم: فرهنگستان علوم اسلامی قم. قابل دسترسی در: <https://www.isaq.ir/vdcgrw9t4ak93.pra.html>
- نجفی رستاقی، حیدر؛ و دهقانیان، حمید (۱۴۰۰). بازاندیشی انتقادی مفهوم توسعه با تأکید بر ملاحظات معرفتی حکمرانی در ایران، *فصلنامه راهبرد توسعه*، سال هفدهم، شماره ۴ (پیاپی ۶۸): ۴۱-۶۹.

- Adelle, Camilla, & Pallemarts, Marc (2009). *Sustainable Development Indicators: An Overview of relevant Framework Programme funded research and identification of further needs in view of EU and international activities*: European Commission.
- Afjeh, S. A. A., & Jafarpour, M. (2012). The relationship between the Islamic-Iranian Model of Progress and Justice with an Emphasis on Organizational Justice. *Studies of Islamic Iranian Progress Model*, 1(1), 5–30. (In Persian)
- Aghasi Zadeh, F., & Gholami Nategh Amiri, S. (2020). *Seventy years of development planning in Iran: Damages and challenges*. Tehran: Center for Development Research and Foresight (CDRF). (In Persian)
- A Group of Researchers. (2013). Balanced distribution of opportunities and incomes. Institute for Research on Indigenous Economic Foundations and Models. (In Persian)
- Akbari, N. (1999). *Discussions on development in Iran*. Isfahan: Hasht Behesht Publications. (In Persian)
- Anbari, M. (2011). *Sociology of development: From economy to culture*. Tehran: SAMT Publications. (In Persian)
- Azad Armaki, T. (2007). *Sociology of development: Principles and theories*. Tehran: Elm Publications. (In Persian)
- Azkiya, M. (2007). *Sociology of development*. Kalam Publications. (In Persian)
- Entezami, H. (2024). *Development, How? Development planning problem in Iran*. Research Institute of Strategic Studies. (In Persian)
- DanaeeFard, H., & Mazhari, Z. (2008). Enhancing validity and reliability in qualitative management research: Reflections on research audit strategies. *Management Research in Iran*, (1), 69–97. (In Persian)
- Dar, Humayon A., & Otiti, Saidat F. (2002). Construction of an ethics-augmented human development index with a particular reference to the OIC member countries Available from <http://hdl.handle.net/2134/370>
- Dirbaz, A., & Dadgar, H. (2001). *A look at Islam and sustainable development*. Danesh va Andisheh Moaser Cultural Institute. (In Persian)
- DiSano, J. (2001). Indicators of Sustainable Development: Guidelines and Methodologies. *Commission for Sustainable Development, United Nations, New York, USA*.
- Emami, S. M. (2019). A Reflection on the Meaning of the "Model" in the Islamic-Iranian Model of Progress: Contemplations from Public Policy Perspective. *Journal of Iranian Public Administration Studies*, 2(1), 1–26. (In Persian)
- Emami S. M., Banafi M., & Sajjadih S. A. (2010). Critical Analysis of the Application of Contemporary Global Development Indicators. *Economic and Planning Research*. 15(1), 135-190.
- Ezzati, M. (2018). *Development and justice from the perspective of Imam Khomeini. Second Congress of Imam Khomeini's Economic Thoughts*, Tarbiat Modares University. (In Persian)
- Ghofarani, H., Fattahzadeh, A. A., Mali, Y., Momeni, F., & Vaez Mahdavi, M. R. (2003). *Human development report 2003; Millennium development goals: A compact among nations to end poverty*. Tehran: Ebn Sina Cultural Institute. (In Persian)
- Haddadi, A., & Dadgostar, S. M. R. (2021). Social criterion for distinguishing schools of development. The Parliament Research Center. (In Persian)
- Izadi, H. (2022). Justice and social development. *Quarterly journal of social development*, 16(4), 181–225. (In Persian)

- Khamenei, S. A. (1989–2024). *Statements*. Office for the Preservation and Publication of the Works of Grand Ayatollah Khamenei. <http://farsi.khamenei.ir/speech>. (In Persian)
- Lakzaei, S., & Barzegar, E. (2016). Transcendent progress in the Islamic Republic based on transcendental wisdom and politics. *A Quarterly Scientific- Research Journal on Islamic Revolution*, 6(21), 87–106. (In Persian)
- Mansournejad, M., & Zamanimohajoub, H. (2013). Development and justice in three discourses of liberalism, socialism and Islam. *Islamic Politics Research*, 1(1), 76–109. (In Persian)
- Mardani Nokandeh, M. H. (2011). The concept and nature of progress with an Islamic-Iranian approach. *Yas Strategy*, (25), 137–160. (In Persian)
- Meier, Gerald, M. (1995). *Leading Issues in Economic Development*. Oxford University Press.
- Mirabaqeri, S. M. (2013). *Research on the relationship between justice and progress*. Islamic Sciences and Culture Academy. Available: <https://www.isaq.ir/vdcgrw9t4ak93.pra.html> (In Persian)
- Morse, S. (2004). *Indices and indicators in development: an unhealthy obsession with numbers?* London: Earthscan Publications Ltd.
- Motavaseli, M. (2003). *Economic development: Concepts, theoretical foundations – Institutional approach and methodology*. Tehran: SAMT Publications. (In Persian)
- Movahedi Bak Nazar, M. (2019). Correlating justice and progress. *Social Justice*, (3), 5–28. (In Persian)
- Mowlana, H. (1992). *Passing from modernism* (Y. Shokrkah, Trans.). Center for Media Studies and Research. (In Persian)
- Najafi Roustaghi, H., & Dehghanian, H. (2021). A critical rethinking of the concept of development with emphasis on epistemological considerations of governance in Iran. *Quarterly Journal of Development Strategy*, 17(4), 41–69. (In Persian)
- Pourezzat, A. A., & Sadabadi, A. A. (2012). Characteristics of Sustainable Political Development in Light of the Guidelines of Imam Ali (AS). *Imam Ali 's Studies*, 20(1), 9–38. (In Persian)
- Rafiei Atani, A. (2012). Progress as justice (Based on anthropological explanation). *Islamic Economics*, 12(47), 77–102. (In Persian)
- Sadra, A. (2010). The Relationship Between Justice and Development in Islamic Government. *Political Knowledge*, 2(1), 83–100. (In Persian)
- Sajjadih, A., Torabzadeh Jahromi, M. S., Sarabadani Tafrihi, H., & Mostafavi Sani, A. (2023). An Islamic Theory of Social Justice: A review of six contemporary religious scholar's viewpoint. *A Quarterly Scientific- Research Journal on Islamic Revolution*, 13(49), 35–56. (In Persian)
- Samiei Nasab, M., & Maghsoudi, H. R. (2006). *A review of economic development theories in the last half-century*. In Presidential Deputy for Management and Human Capital Development & Imam Sadiq University Research Center, Explaining and formulating the theoretical foundations of progress and justice in the fifth development plan of the Islamic Republic of Iran (pp. 45–78). Institute for Education and Research in Management and Planning. (In Persian)
- Sarabadani, H., Torabzadeh, M. S., Sajadih, A., & Mostafavi Sani, A. (2020). *Islamic Theory of Social Justice: An Review of Contemporary Religious Scholar's Viewpoints*. Tehran: Imam Sadiq University Press. (In Persian)
- Sariolghalam, M. (2001). *Rationality and the future of Iran's development*. Center for Middle East Scientific and Strategic Studies. (In Persian)

- Shafiei, H., & Zahedi, B. (2014). Outputs of Ideal Development Qualifications Based on Imam Khomeini Opinion of Judgment Definition. *Political Science* (Karaj University), (28), 123–150. (In Persian)
- Williamson, Oliver E. (2000). The Institutional Economics: Taking Stock, Looking Ahead. *Journal of Economic Literature*. No 3, Pp.595-613.
- World Commission on Environment and Development (WCED) (1987). Result of Conference about Our Common Future: <https://sustainabledevelopment.un.org/content/documents/5987our-common-future.pdf>
- Zahedi, M. J. (2003). *Development and inequality*. Tehran: Maziar Publications. (In Persian)
- Zaribaaf S. M. (2007). An Introduction to the Theory of Justice Based Development. *Qjerp*, 15 (41 and 42) :36-67. URL: <http://qjerp.ir/article-1-285-fa.html>(In Persian)
- ZariBaf, S. M. (2013). Basis, the Process of Illustration, Conceptual Model and Requirements of Islamic-Iranian Progress Pattern. *Islamic Economics Studies Bi-quarterly Journal*, 5(10), 131–168. (In Persian)